



فصل نامه فرهنگی، آموزشی و تربیتی امین
ویژه اعضای هیئت امنای مساجد استان تهران
سال پنجم | پیش شماره ۶ | تابستان ۱۴۰۰

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

معاونت جذب و آموزش مرکز رسیدگی به امور مساجد

سردبیر:

مهدی اخلاقی

دبیران:

اندیشه و مدیریت: مجتبی حاجیلو

پرونده ویژه: مهدی عالمی

همکاران تحریریه:

محمد علی متین وفا، مهدی رزاقی طالقانی، مرتضی

انقانی، حسین علی آبادی، مرتضی محمدنژاد،

محمد جواد کریمی

ویرایش:

جعفر مروجی

طراحی:

کارگاه نشری را

مدیر هنری: محسن صابری

نشانی: تهران، خیابان سعدی شمالی، کوچه صفامنش، مجتمع
فرهنگی آموزشی محراب، طبقه اول.

کد پستی: ۵۶۵۱۱۱۴۵۷

تلفن: ۰۲۱ ۶۶۳۴۶۹۴۱ داخلی: ۱۱۳

نمابر: ۰۲۱ ۶۶۳۴۷۹۳۴

تارنما: amoozesh.masjed.ir

۲ ■ یادداشت سردبیر

اندیشه

- ۴ ■ حرمت‌ها را حفظ کنیم
- ۹ ■ رانندگی پروفیسور برای یک روحانی
- ۱۲ ■ احترام به صاحب‌خانه

مدیریت

- ۱۶ ■ فرهنگ حاکم بر اقتصاد
- ۲۲ ■ تنه‌راه پیشرفت شخصی و گروهی
- ۲۶ ■ مسجد محرومان
- ۳۱ ■ تجلیگاه هنر اسلامی
- ۳۵ ■ حدیث سرواز زبان مسجدی‌ها
- ۳۸ ■ شفافیت مالی و مدیریت اقتصادی مسجد

پرونده ویژه

مانسی حسینا

- ۴۰ ■ که خواجه خود روش بنده پروری داند
- ۴۴ ■ آنها اهل عیش و ناز نیستند
- ۴۸ ■ معرفی کتاب سقای آب و ادب
- ۴۹ ■ برکت کرونا
- ۵۳ ■ طهران در محرم
- ۶۰ ■ از ماسک تا پاورپوینت
- ۶۳ ■ من الغریب الی الحبیب

فراموش نمی کنیم

تالوهای از جنس ستاره‌های درخشان، انسان را به خود می‌خواند تا از فراموشکاری وی جلوگیری کرده و به مرور او را با خود مانوس کند.

مجلس عزای سالار شهیدان از پس قرن‌ها هنوز هم همگان را به خود فرامی‌خواند تا در این عصر سردرگمی انسان، راه نجاتی برای وی فراهم کند. تکرار و دوام دو عنصر اصلی برای کمک به مسیریابی آدمی است و در هر حال راه ابا عبدالله علیه السلام فراموش شدنی نیست.

اکنون همه می‌دانند که فرقی نمی‌کند چه خطراتی پیش روی دارند تا علم حسین را برافراشته نگاه دارند. روزگاری فشار چکمه‌پوش‌های قلدر مجالس ذکر اهل بیت را تهدید می‌کرد و اکنون ویروس نادیدنی، اما انسان هر چه را فراموش کند

کلمه انسان دو معنا ذکر کرده‌اند. ریشه

برای

آن یا از انس است که در این صورت دوام بر امور برای وی ضروری است و یا از نسیان است که باید برای جلوگیری از فراموشی، برخی مساله‌ها را تکرار کند.

در دوره کنونی انسان گرفتار شتاب افسارگسیخته‌ای در همه عرصه‌های زندگی شده و به سرعت از کنار بسیاری از مسائل عبور می‌کند. همانند مسافری که به قصد رسیدن به مقصد با سرعت حرکت می‌کند و توجه ندارد که همین مسیر هم جزئی از سفر اوست و می‌تواند لذت بیشتری از آن ببرد. انگار جنبه فراموشی بر انسان غالب شده و کمتر با چیزی مانوس می‌شود. اما در همین شرایط نابسامان هم



یاد پیامبر و خاندانش را نمی‌تواند فراموش کند و این به دست نیامده مگر به واسطه دوام و تکرار.

باید بدانیم هر کسی از این قافله، خودش فاصله می‌گیرد و حسین کسی را رها نمی‌کند. اگر مشکلات و فشارها تغییر کرده، روش و سبک عزاداری هم به همان نسبت تغییر می‌یابد و آدمیان اجازه

فراموشی کربلا را نمی‌دهند. باید ملت امام حسین بود. باید پای کار حسین ایستاد و نسل به نسل در پناهش بود. باید با حسین انس گرفت و او را فراموش نکرد. و باید کلام سید مرتضی آوینی را به خاطر سپرد که: «کاروان تاریخ در گذر است و هرگاه تو، خود را به قافله کربلا برسانی از اصحاب عاشورایی سیدالشهدا (علیه السلام) خواهی بود.» ♦

حرمت‌ها را حفظ کنیم

احترام به سالمند
احترام به خدا و احترام به خود

مجتبی پور موسی

می گفت مادر محضر امام صادق (علیه السلام) نشسته بودیم که ابوبصیر نفس زنان وارد شد و زمانی که در جای خود نشست، امام به او نگاه کرد و فرمود: «ای ابا محمد علت این نفس زدن چیست؟»

ابوبصیر در پاسخ گفت: «قربانت شوم ای فرزند رسول خدا! سالمند شده‌ام و استخوانم باریک (ضعیف) و مرگم نزدیک شده. همچنین نمی دانم وضعم در آخرت چگونه است!»

امام با محبت و تعجب پرسید: «ای ابا محمد تو هم چنین می گویی؟»

ابوبصیر در کمال احترام گفت: «قربانت گردم چرا چنین نگویم؟»

امام فرمود: «ای ابا محمد! مگر نمی دانی که خدای تعالی جوانان شما را گرمی داشته و از پیران شما حیا دارد؟»

ابوبصیر پرسید: «فدایت شوم، چگونه جوانان را



اندیشه



هادی عجمی

خویشتن داری و ویژگی جذاب هر فعال فرهنگی
صفحه ۹



محمدصادق حاجیان

احکام مربوط به وقف مسجد
صفحه ۱۲

این قشر از جامعه گوشزد شده که در ادامه به برخی از این احادیث اشاره خواهیم کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «هر گاه بزرگ قومی بر شما وارد شد، گرمی اش بدارید».^۲

راوی می گوید امام صادق علیه السلام به من فرمود: «از احترام خدای عز و جل، احترام به شخص سالمند است».^۳

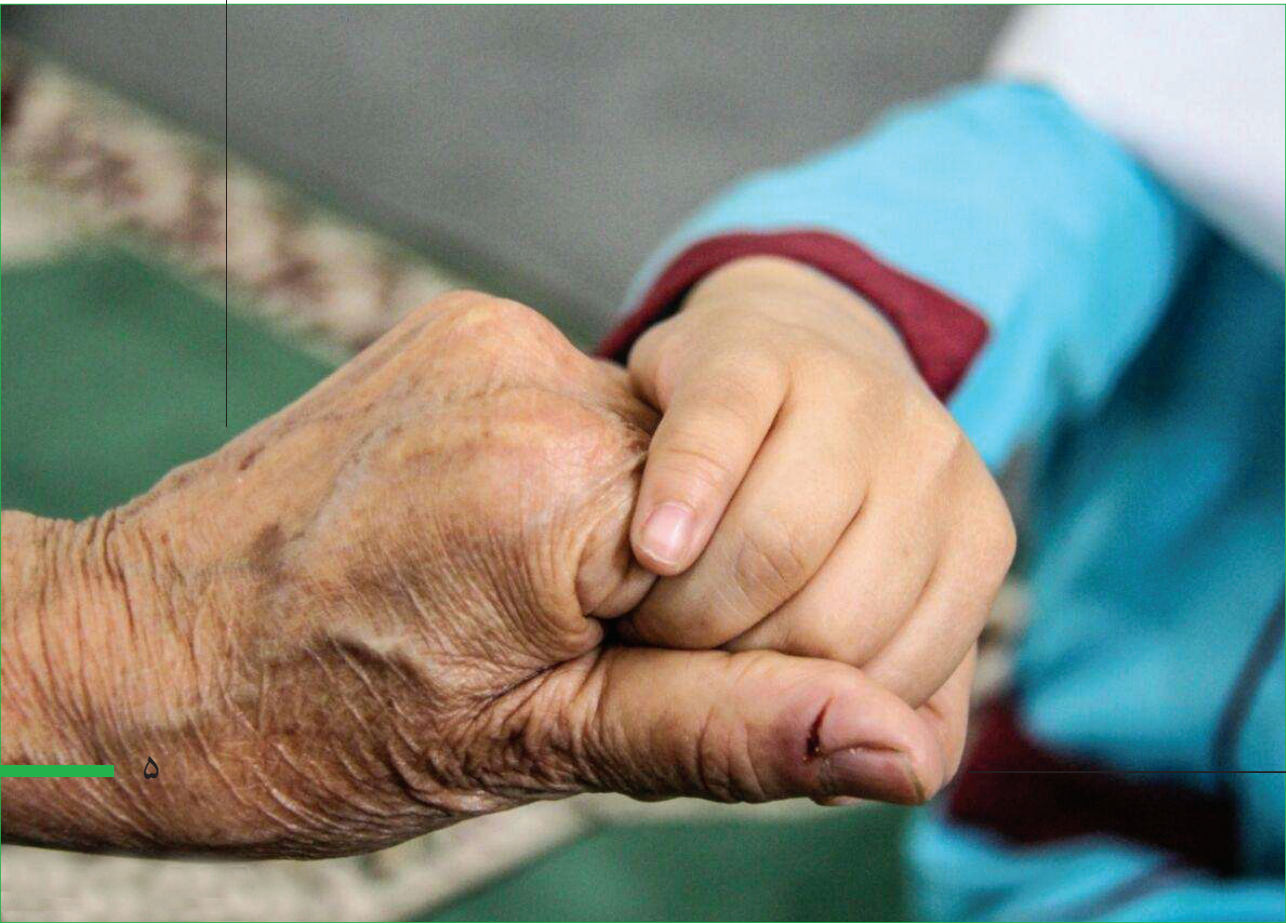
در این روایت شریف، امام احترام به سالخورده را همردیف احترام به خدای متعال قرار داده است. همچنین از ایشان نقل شده که در روایت دیگری فرمود: «کسی که سالمند ما (شیعه) را احترام و به کودکان ما (شیعه) محبت نکند، از ما نیست».^۴

گرمی می دارد و از پیران حیا می کند؟!». امام توضیح داد: «خدا جوانان را از اینکه عذابشان کند، گرمی (دور) داشته و از پیران حیا کند که از آنها حساب بکشد».

ابوبصیر پرسید: «فدایت، آیا این مقام ویژه ما [شیعیان] است یا برای همه اهل توحید و یکتاپرستان است؟».

امام فرمود: «نه، به خدا مخصوص شما است، نه همه مردم».^۱

در روایات اهل بیت علیهم السلام نگاه ویژه ای به سالخوردگان و سالمندان وجود داشته و در روایاتی لزوم حفظ احترام و نیز وظایف همگان در رابطه با





رسول خدا مرا
به پنج خصلت
سفارش کرد که در
ضمن آن فرمود:
«به سالخورده
احترام کن تا در
قیامت از رفیقان
من باشی»

آثار و برکات احترام به سالخوردگان

هر آموزه دینی برای ما آثار و برکاتی دارد. احترام به سالمندان نیز از این قاعده مستثنا نبوده و دارای برکاتی است:

۱ رفاقت با رسول خدا

انس بن مالک می گوید: رسول خدا مرا به پنج خصلت سفارش کرد که در ضمن آن فرمود: «به سالخورده احترام کن تا در قیامت از رفیقان من باشی».^۵

۲ در امان بودن از مشکلات قیامت

پیامبر رحمت می فرماید: «هر کس سالخورده مسلمان را گرامی دارد، خداوند او را در قیامت از سختی‌ها و مشکلات در امان می‌دارد».^۶

۳ احترام متقابل

هر عملی در این دنیا باز خورد و عکس‌العملی خواهد داشت. احترام یا بی‌احترامی به بزرگ‌ترها هم باعث همان رفتار در مورد خود ما خواهد بود. از امام علی (علیه السلام) نقل شده که حضرت فرمود: «به پیرها احترام بگذارید تا کودکانتان نیز به شما احترام بگذارند».^۷

حقوق سالمندان

امام سجاد (علیه السلام) حق‌هایی که دیگران باید در رابطه با سالخوردگان رعایت کنند، این‌طور بیان می‌فرمایند:

«حق سالخورده این است که:

۱ حرمت پیری‌اش را نگه‌داری.

۲ اگر سوابق فضیلت در اسلام دارد، تجلیلش

کنی. امروزه که سالمندان نسبت به

جوان‌ترها سابقه عبادت بیشتری دارند، مشمول این فراز سخن امام و مستحق تکریم و تجلیل دیگران هستند

۳ او را مقدم‌داری. این مقدم داشتن می‌تواند در خدمات‌رسانی باشد؛ مانند اینکه اگر قرار

است خدمتی به افراد انجام شود یا مواساتی صورت گیرد، ابتدا به سالمندان توجه شود؛ مانند همین تزریق واکسن کرونا که امروزه با اولویت سالمندان انجام می‌پذیرد. یا مقدم کردن سالمندان در استفاده از خدمات و ایثار کردن برای آنها در صفوف خرید فروشگاه‌ها و مغازه‌ها، در نشستن بر صندلی اتوبوس و مترو و ...

۴ در اختلافات (خصمانه) با او روبرو نشوی. این خصمانه رفتار نکردن به معانی مختلفی

می‌تواند باشد؛ مانند عدم درگیری فیزیکی، عدم بی‌احترامی و دشنام دادن، با صبر و حلم با سالمند برخورد کردن، تندخویی و درشت‌گویی نکردن، با صدای بلند با آنان سخن گفتن و هر رفتاری که از سر دشمنی و خصومت باشد.

۵ در راه بر وی سبقت‌نگیری و جلوتر از او راه نروی.

۶ نادانش‌شماری، بسیارپیش‌می‌آید که افراد جوان‌تر با سالمندان با بی‌ادبی رفتار کرده و آنان را نادان یا جاهل برمی‌شمارند. مانند اینکه فرزندان یک پدر یا مادر سالخورده او را بی‌اطلاع و بی‌خبر از زندگی امروزه بدانند یا او را سرزنش کنند که چرا مانند ما فلان مدرک را نداری.

۷ اگر رفتار جاهلانه‌ای کرد، تحمل کنی. ممکن است که فرد سالخورده رفتاری انجام

دهد که صحیح نیست، در چنین مواردی باید با صبر

با او برخورد کرد.

۸ به مقتضای سوابق مسلمانی و سالمندی اش به او احترام بگذاری؛ چراکه حق سن و سال نیز چون حق اسلام است.^۸

مامسجدها

در یک مجموعه متعالی مانند مسجد باید احترام سالمندان به صورت ویژه تری رعایت شود. برای نمونه برخی از رفتارها در برخورد با سالمندان در مسجد پیشنهاد می شود:

۱ سلام کردن و احترام گذاشتن به ایشان، زمانی که با آنان مواجه می شویم. کسانی که در مسجد هستند، پیش از آنکه فرد سالخورده به آنان سلام کند، به او سلام کنند و احترام بگذارند.^۹ امام صادق (علیه السلام) در ضمن حدیثی، به سلام کردن کوچک تر به بزرگ ترها امر می کند.^{۱۰}

۲ برای سالخوردگان جا باز کنیم،^{۱۱} جای بهتر را به او تعارف کنیم، او را به صفوف اول دعوت کرده و در مراسم، مکان دارای پشتی یا صندلی را به ایشان اختصاص دهیم.

۳ امام جماعت و هیئت امنای مسجد سالخوردگان مسجد را شناسایی کرده و به صورت محترمانه به منازل ایشان سرکشی کرده و از مشکلات آنها باخبر شوند. فراموش نکنیم که افراد سالخورده احتمالاً دارای فرزندان دم بخت یا نوه هستند و به لحاظ مالی ممکن است نیاز به کمک و همیاری برادران و خواهران مؤمن مسجدهی خود داشته باشند. همچنین بخشی از این عزیزان ممکن است در تأمین برخی نیازهای معیشتی زندگی خود دچار مشکلاتی باشند که اختصاص کمک های

عزتمندانه مؤمنانه و ... به چنین قشری پیشنهاد می شود.

۴ امام جماعت، هیئت امنای و بزرگان مسجد فهرستی از سالخوردگان مسجدهی را تهیه کرده و در صورت غیبت او در نماز جماعت یا مراسم، پی جوی احوالات ایشان شوند؛ چراکه ممکن است مریض شده یا گرفتاری پیش آمده باشد که در این صورت عیادت از مریض و رفع گرفتاری مؤمن از وظایف دیگر مؤمنان و وظیفه ای شرعی است.

۵ همچنین اگر یکی از این افراد فوت کرد، وظیفه مسلمانان تجلیل و احترام و شرکت در مراسم تشییع جنازه اوست.

۶ دعای ۲۴ صحیفه سجادیه را در حق پدران و مادرانمان بخوانیم و از فرازهای این نیایش درس هایی مانند احترام به بزرگ ترها، خدمت به ایشان از سر شوق، خوش اخلاقی و نرم خویی با آنان، حفظ بزرگی و هیبت ایشان، عدم مخالفت بی جهت با آنان (البته در مواردی که امر آنان مخالفتی با دین و دستورهای شرعی ندارد) و ... را بیاموزیم.

۷ در صورتی که رفتاری اشتباه از این افراد دیده شد، لازم است همه افراد از کوچک تا بزرگ سال با سعه صدر و صبر همراه با احترام با سالخوردگان برخورد کنند. وجود مشکلات و در مواردی دچار شدن فرد به بیماری های رنگارنگ در سنین کهنسالی، موجب رفتارهای ناخواسته و گاه اشتباهی از سوی آنان می شود که صبر و مهربانی ما را در این موارد می طلبد.

فراموش نکنیم همه ما روزی پیر می شویم و آن زمان دیگر درک کردن شرایط پیری و سالخوردگان، فایده ای به حالمان ندارد. خدای متعال در این



پیش شماره ۶
تابستان ۱۴۰۰



هر عملی در این دنیا باز خورد و عکس العملی خواهد داشت. احترام یا بی احترامی به بزرگ ترها هم باعث همان رفتار در مورد خود ما خواهد بود



برای سالخوردگان
جا باز کنیم، جای
بهتر را به او تعارف
کنیم، او را به
صفوف اول دعوت
کرده و در مراسم،
مکان دارای پشتی
یا صندلی را به
ایشان اختصاص
دهیم

زمینه می فرماید: «وَمَنْ نَعَمَزَهُ نُنْكَسَهُ فِي الْخَلْقِ
أَفْلا يَعْقِلُونَ»^{۱۲} هر آن کس را که عمر طولانی
دهیم، او را در خلقت دچار نقصان می کنیم. آیا
نمی اندیشید؟^{۱۳}

پی نوشت:

۱. برگرفته از روایتی از بخش روضه کتاب کافی، ج ۸، ص ۳۳.
۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۵۹.
۳. همان، ص ۶۵۸.
۴. همان، ص ۱۶۵؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۱۳۸.
۵. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۱۳۷.



۶. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۵۸.

۷. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۱۰۰۹۶.

۸. رساله حقوق امام سجاد علیه السلام؛ ابن شعبه حرانی، تحف
العقول، ج ۱، ص ۲۶۹.

۹. در باب لزوم احترام به مؤمنین بنگرید به: کافی، ج ۲،
ص ۶۳۷، حدیث چهارم.

۱۰. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۴۶.

۱۱. در باب لزوم جا باز کردن برای دیگران در مجالس می توان
به عنوان نمونه به روایتی از امام صادق علیه السلام به آدرس کافی،
ج ۲، ص ۶۳۷ حدیث سوم اشاره کرد.

۱۲. یس: ۶۸.



پیش شماره ۶
تابستان ۱۴۰۰

راندگی پرفسور برای یک روحانی

خویشن‌داری ویژگی جذاب هر فعال فرهنگی

هادی عجمی

ابتدا اطرافیانش شیعه شدند؛ اما به‌مرور کار به‌جایی رسید که برای تبلیغ شیعه، در نیجریه شهرک سینمایی ساخت! شیخ در حوزه زنان و فعالیت‌های فرهنگی، ده‌ها مجموعه علمی و فرهنگی دیگر را تأسیس می‌کند.

کار به آنجا رسید که در سال ۱۳۹۴، از همه شهرهای نیجریه، بین پنج تا ده میلیون نفر با پای پیاده به سمت زاریا و مهدیه‌ای که مرکز فعالیت شیخ زکراکی بود، حرکت کردند! آن‌هم در کشوری که روزی شیعیانش به هزار نفر نمی‌رسیدند و رئیس حکومت آن تحت سلطه آل سعود است.^۲

راز این موفقیت

این موفقیت شیخ زکراکی در جذب قلوب و ایجاد تشکیلات، هدف هر فعال مسجد است. رسیدن به این موفقیت در گرو شناخت علت موفقیت این شیخ و حرکت در مسیر اوست. از جمله علت‌های

پروفسور «عبدالله دانلادی» معاون دانشکده علوم فیزیک و استاد دانشگاه ABU در نیجریه است. او از برجسته‌ترین اساتید متخصص کامپوزیت پلیمر در قاره آفریقا است؛ اما با این حال، رانده شیخ زکراکی می‌شود! او فارغ از جایگاه علمی بالای خود، تمام تلاشش را به کار می‌گیرد که در خدمت رهبر شیعیان کشورش باشد.^۱ جذب این چینی این پروفسور، فقط یکی از موفقیت‌های شیخ زکراکی است.

شیخ زکراکی کسی است که می‌توان گفت از هیچ شروع کرد. کسی که اولین بار برای اینکه امام خمینی را ببیند، به همراه دوستانش یک سال کارگری کرد تا پول آن سفر را پس‌انداز کند؛ اما موفق به دیدن امام نشد. سال بعد با دعوت سفارت ایران موفق به دیدن امام شد. او پس از چهار سال از این دیدار شیعه شد و به تحصیل در قم پرداخت. اما در بازگشت به نیجریه انقلابی را با دست‌خالی شروع می‌کند.



هر کس می‌خواهد در یک اقدام تشکیلاتی و مسجده‌محور به موفقیت برسد، لازم است مفتخر به زینت حلم و خویشن‌داری باشد

موفقیت او را می‌توان، حلم و خویشتن‌داری او در تحمل دیدگاه‌های مختلف، در برابر ظلم دولت و سختی‌های راه دانست.

دولت نیجریه تلاش بسیار کرد تا او را در مقابل دولت قرار دهد؛ اما نتوانست. به مهدیه او حمله کرد و پسران شیخ زکراکی را شهید کرد. شهرک سینمایی او را تعطیل کرد و مانع ساخت فیلم شد. اما شیخ زکراکی با حلم و خویشتن‌داری حرکت خود را ادامه داد؛ تا آنجاکه دولت چاره‌ای

برای خود ندید، مگر زندانی و حذف فیزیکی او؛ اما روز به روز بر موفقیت و جذب قلوب توسط او افزوده می‌شود.

شما هم می‌توانید

شیخ زکراکی، یک نمونه عینی است برای نشان دادن ثمره حلم و خویشتن‌داری در فعالیت‌های فرهنگی.

کس می‌خواهد در یک اقدام تشکیلاتی و مسجدمحور به موفقیت برسد، لازم است مفتخر به زینت حلم و خویشتن‌داری باشد؛ به‌ویژه اعضای هیئت‌امنا؛ ایشان در برخورد با مردم، امام جماعت و دیگر اعضای هیئت‌امنا، اگر از شاه‌کلید خویشتن‌داری استفاده کنند، موفق خواهند بود. «حلم»، واژه‌ای عربی و به‌معنای فرونشاندن هیجان خشم است. لغت‌شناس

معروف قرآن می‌نویسد:

«حلم کنترل‌کننده

نفس از طغیان

خشم است»^۲

سپس می‌گوید:

«از آنجاکه این

حالت از عقل

و خرد ناشی

می‌شود، گاهی

حلم به معنای



مسجدی نه تنها به این اصل قرآنی عمل نمی کنند، که توان مسجد و هیئت امنا را صرف نزاع و پیگیری اختلاف نظرها می کنند و به این ترتیب جایگاه خود را سست می کنند. در حالی که اصل اختلاف نظر امری معمول و پذیرفته است؛ زیرا خداوند انسان ها را مختلف و با سلاقی مختلف آفریده است. برخی چنان دیدگاه مخالف را ناحق و فاسد می دانند که توجه ندارند چه ضمانتی است که دیدگاه خود آنها ناحق نباشد.

نتیجه اینکه اگر بخواهیم به الگویی موفق مانند شیخ زکراکی تأسی کنیم، لازم است خویشتن داری در برابر اشتباهات دیگران و اختلاف نظر با آنها و مقابله به احسن را سرلوحه کارهای خود قرار دهیم. به ویژه اعضای هیئت امنا، در بر خورد با دیگر اعضای هیئت امنا، مردم و امام جماعت، باید چنین روشی را در پیش بگیرند♦

پی نوشت:

۱. گفتگو با پروفesوری که راننده شیخ زکراکی شد، farsnews.ir.
۲. رمز موفقیت شیخ ابراهیم زکراکی، rasanews.ir.
۳. «الْجِلْمُ: ضَبَطَ النَّفْسَ وَ الطَّبِعَ عَنِ هَيْجَانِ الْغَضَبِ» (راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۲۵۳).
۴. «الْعُقْلُ خَلِيلُ الْمَرْءِ، وَ الْجِلْمُ وَرِيْزُهُ» (شیخ طوسی، الأمالی، ص ۱۴۶).
۵. آل عمران: ۱۳۴.
۶. همان: ۱۳۴.
۷. روایتی تازه از زندگی و تحول شیخ ابراهیم زکراکی، tasnimnews.com.
۸. الأنفال: ۴۶.

عقل و خرد نیز به کار رفته است». بر همین اساس امیر مؤمنان (علیه السلام) می فرماید: «عقل دوست صمیمی انسان است و حلم وزیر عقل است».۴ در فارسی به حلم، خویشتن داری نیز گفته می شود.

قرآن، خویشتن دار را این گونه وصف می کند: «وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ»؛ خشم خود را فرومی برند و از خطای مردم درمی گذرند» و دستور می دهد: «وَ لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ»؛ هرگز نیکی و بدی یکسان نیست. بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است».

برای نمونه، هر چند شیخ زکراکی نامهربانی هایی از اهل سنت دیده بود، اما «ویژگی شیخ زکراکی این بود که از اختلافات عبور کرده بود. نیجریه شیعه نداشت، یا کم داشت. باهمت شیخ ابراهیم میلیون ها شیعه در نیجریه زندگی می کنند. شیخ اما هیچ مسجد شیعه ای تأسیس نکرد. برای برگزاری مراسم شیعی مانند دعاها و عزاداری ها، مهدیه و حسینیه تأسیس کرد. به پیروان خود اجازه نداد مسجد شیعی تأسیس کنند؛ چرا که معتقد بود مسجد خانه خداست و هر کس که به خدا و پیامبر اعتقاد داشته باشد، مسلمان است».۷ اما اگر ایشان وارد مبارزات سیاسی و نظامی می شد، توان خود و طرفداران و شیعیان را از بین می برد.

قرآن به ما دستور می دهد: «وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ»؛ نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود». اما باید با سرافکنندگی باید گفت برخی فعالان

احترام به صاحب‌خانه

احکام مربوط به وقف مسجد

محمدصادق حاجیانی

طبقه را وقف کند؛ و الا وقف به صورت کلی و بدون قید، همان معنای اول را دارد.

۲ **قانون حفظ شأن مسجد:** شأن و آداب مسجد باید در همه حال حفظ شود.

۳ **قانون عدم مزاحمت:** عبادتگاه محل عبادت عبادت‌کنندگان است و نباید برای مهمانان خانه خدا مزاحمت ایجاد کرد.

با این توضیح، پاسخ سؤالات زیر روشن خواهد شد:

- ساخت حسینیه یا مهدیه در زمین مسجد؟ قانون شماره یک

- ساخت آشپزخانه یا آبدارخانه در زمین مسجد؟ همان قانون اول

- قرار دادن وسایل پایگاه (میز مسئول یا کمد مدارک اعضا یا قفسه کتاب) در مسجد؟ قانون دوم و سوم

- استفاده از شبستان‌های مسجد برای امور ورزشی؟ قانون اول

در همه فرهنگ‌ها، احترام گذاشتن به صاحب‌خانه و مراقبت از شأن و منزلت او، امری پسندیده و لازم است. امری مانند حفظ نظافت خانه، رعایت ادب و پرهیز از سروصدا، و عدم مزاحمت برای دیگر مهمانان، از مصادیق روشن احترام گذاشتن به صاحب‌خانه است.

نکته مشترک همه انسان‌های خداپرست این است که عبادتگاه خود را به‌عنوان خانه خدا، تکریم می‌کنند و برای حفظ شأن آن، همگان را به رعایت آدابش سفارش می‌کنند. آری، مساجد خانه‌های خدا روی زمین است که در اسلام، احکام و آداب خاصی برای آن ذکر شده است.

در این باره سه قانون کلی وجود دارد که معمولاً پاسخ سؤالات را روشن می‌کند:

۱ **قانون عدم تغییر کاربری:** زمینی که وقف مسجد شده، در همه طبقات زیرین و بالایی آن، احکام مسجد جاری است و تغییر کاربری آن جایز نیست؛ مگر اینکه واقف، فقط ساخت یک

نکته مشترک همه انسان‌های خداپرست این است که عبادتگاه خود را به‌عنوان خانه خدا، تکریم می‌کنند و برای حفظ شأن آن، همگان را به رعایت آدابش سفارش می‌کنند



پیش شماره ۶
تابستان ۱۴۰۰



زمینی که وقف
مسجد شده، در
همه طبقات زیرین
و بالایی آن، احکام
مسجد جاری
است و تغییر
کاربری آن جایز
نیست

در مساجد و برپایی درس‌های دینی زیر نظر امام
جماعت و هیئت امنای آن کار خوب و مطلوبی است.
۲. تبدیل مسجد به مکانی برای نمایش فیلم‌های
سینمایی جایز نیست؛ ولی نمایش فیلم‌های
مذهبی و انقلابی دارای محتوای مفید و آموزنده به
مناسبت خاصی و برحسب نیاز و تحت نظارت امام
جماعت مسجد اشکال ندارد.
۳. جواز استفاده از امکانات مسجد، مثل برق و
سیستم تهویه در اقامه مجلس فاتحه برای اموات
و امثال آن، منوط به کیفیت وقف و نذر آن امکانات
برای مسجد است.
۴. حفر زمین مسجد برای تأسیس کارگاه و مانند
آن جایز نیست؛ هر چند برای اداره امور و تأمین
مخارج خود مسجد باشد.
۵. ایجاد موزه یا کتابخانه در گوشه صحن مسجد،
اگر مخالف کیفیت وقف تالار و شبستان و صحن
مسجد باشد یا موجب تغییر ساختمان مسجد
گردد، جایز نیست. بهتر است مکانی در کنار مسجد

- پخش موسیقی یا سرودهای رادیو از بلندگوی
مسجد؟ قانون دوم

حال برخی احکام مسجد که قوانین مذکور در آن
ذکر شده است:

- مراعات شأن و منزلت و جایگاه مسجد واجب
است و از کارهایی که با شأن و منزلت مسجد منافات
دارد، باید پرهیز شود؛ بنابراین:

۱. مسجد جای ورزش و تمرین ورزشی نیست.
۲. اگر پخش موسیقی در مسجد منافی با حرمت
آن باشد، حرام است؛ حتی اگر موسیقی غیر مطرب
باشد.

- مخالفت با کیفیت وقف مسجد یا تغییر و تبدیل
آن جایز نیست؛ بنابراین:

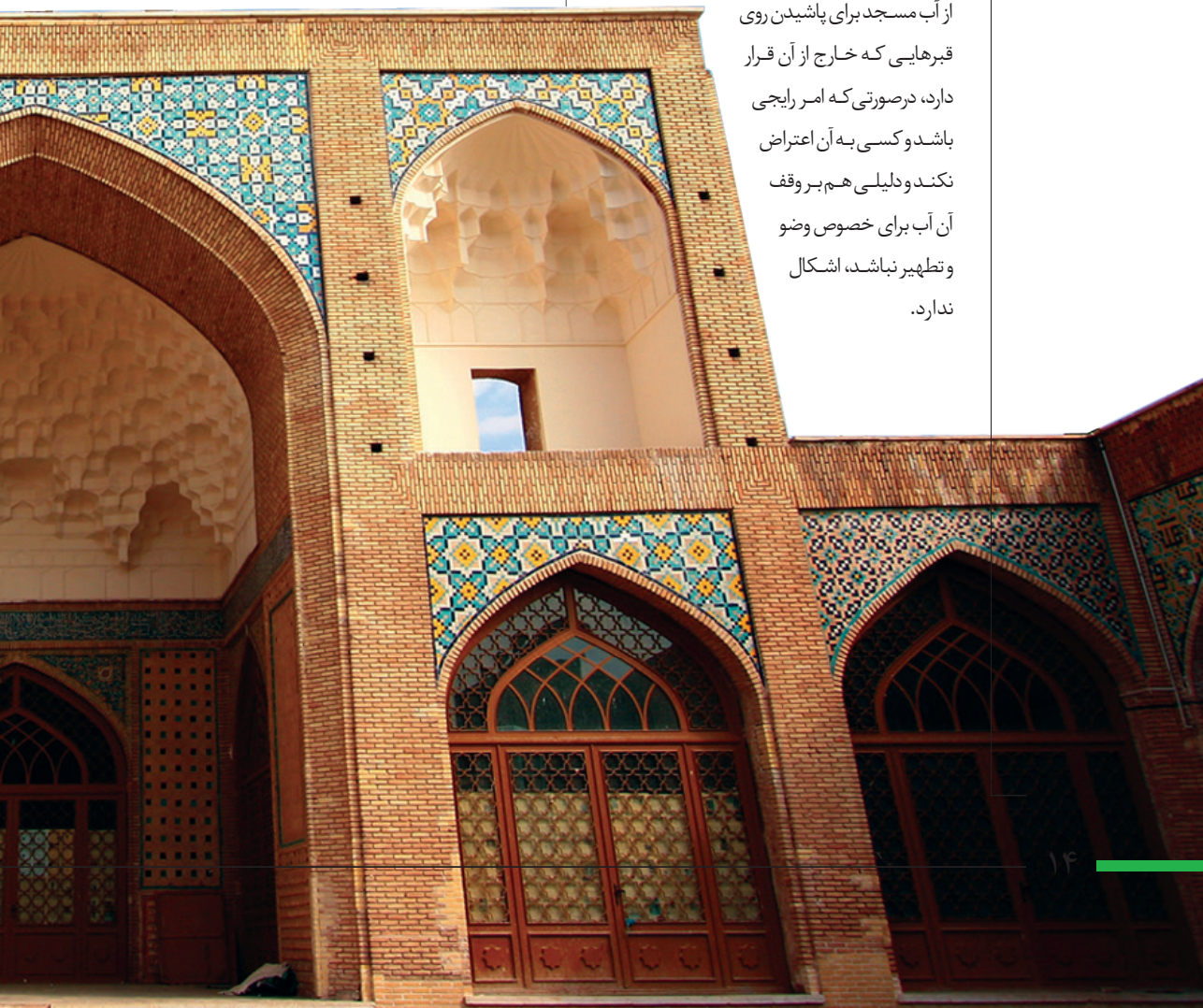
۱. استفاده از صحن یا ایوان مسجد برای رشد
فکری، فرهنگی و نظامی (با آموزش‌های نظامی)
جوانان، تابع کیفیت وقف صحن مسجد و ایوان آن
است و باید از امام جماعت و هیئت امنای مسجد
در این باره نظر خواهی شود. البته حضور جوانان

برای این منظور تهیه شود.

۶. استفاده شخصی از آب مساجد، مثل نوشیدن، درست کردن چای و مانند آن، در صورتی که ندانیم آب آن برای خصوص وضو گرفتن نمازگزاران وقف شده است و عرف رایج در محله مسجد، این باشد که همسایه‌ها و عبورکنندگان هم از آب آن استفاده می‌کنند، اشکال ندارد؛ هر چند احتیاط در این مورد مطلوب است. همچنین اگر مسجد در مجاورت قبرستان باشد، استفاده

از آب مسجد برای پاشیدن روی قبرهایی که خارج از آن قرار دارد، در صورتی که امر رایجی باشد و کسی به آن اعتراض نکند و دلیلی هم بر وقف آن آب برای خصوص وضو و تطهیر نباشد، اشکال ندارد.

۷. هرگاه در قسمت سرپوشیده مسجد به خاطر عدم آگاهی از احکام شرعی مسجد، اتاق‌هایی ساخته شود، واجب است با خراب کردن اتاق‌ها، قسمت سرپوشیده را به حالت قبل برگردانند. همچنین اگر در محلی که قبلاً مسجد بوده، بر اثر جهل به مسئله، اتاقی برای تهیه چای و مانند آن ساخته شود، واجب است آن مکان به حالت مسجد بودن خود برگردد.



مسجد در صورتی اشکال ندارد که برای نمازگزاران مزاحمتی نداشته باشد.

۱۱. زیرزمین مسجد را با سه شرط می توان اجاره

داد:

الف) عنوان مسجد نداشته باشد.

ب) جزو تأسیساتی نباشد که مسجد به آن نیاز دارد.

ج) وقف آن وقف انتفاع نباشد (وقف منفعت باشد) ♦

پی نوشت:

۱. متن حاضر بر اساس پرسش و پاسخ های فقهی

از مقام معظم رهبری تنظیم شده و در لینک زیر

قابل مشاهده است:

<https://farsi.khamenei.ir/treatise-con->

۲۹=tent?id

۸. کندن چند درخت از صحن مسجد، اگر تغییر و تبدیل وقف شمرده نشود، اشکال ندارد.

۹. دفن میت در مسجد جایز نیست و وصیت

میت مبنی بر اینکه مراد فلان مسجد دفن کنید،

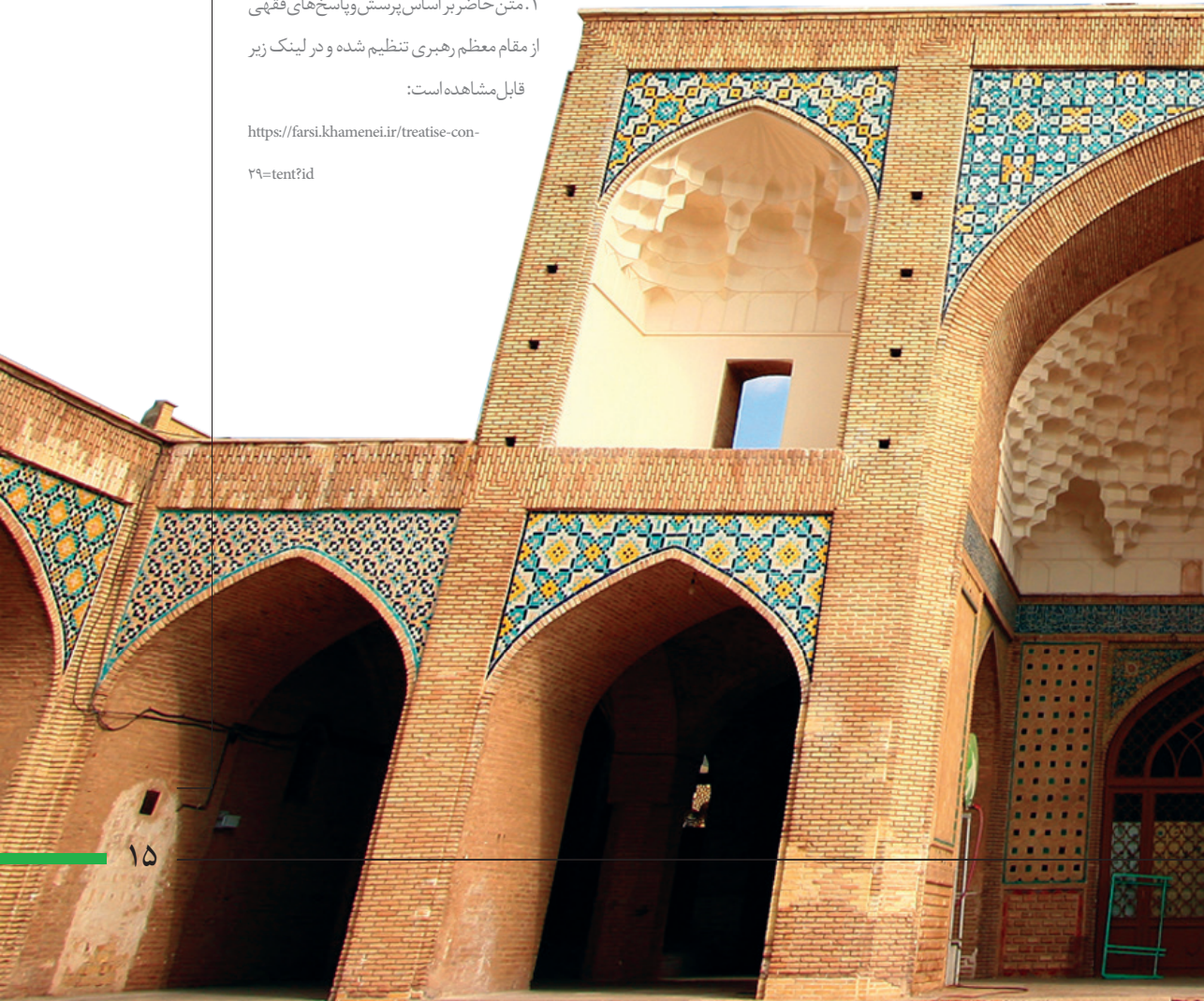
اعتباری ندارد؛ مگر اینکه هنگام اجرای صیغه وقف،

دفن میت استثنا شده باشد.

۱۰. ایجاد مزاحمت برای نمازگزاران در مسجد

جایز نیست؛ بنابراین تعلیم قرآن و احکام و آموزش

اخلاق اسلامی و تمرین سرودهای انقلابی در



فرهنگ حاکم بر اقتصاد

رایحه خوش خدمت به مؤمنین

به کوشش: مجتبی حاجیلو

با امیرمسعود استادحسین، کارشناس ارشد

فناوری اطلاعات به‌عنوان مدیرعامل مجموعه

سبک زندگی طبیبه تماس گرفتیم. مجموعه‌ای که

از سال ۹۲ به‌صورت رسمی و جدی در حوزه

کسب‌وکار فعالیت می‌کند. هدف مجموعه فقط

اقتصادی نیست و به‌دنبال تشکیل شبکه‌ای

قدرتمند و فعال در حوزه فرهنگی است که علاوه‌بر

کارهای ابتدایی و کسب‌وکارهای خانگی، در

حوزه فرهنگ هم اثرگذار باشد. کمترین نشانه

موفقیتشان هم حضور پر قدرت و همکاری با

تعدادی از مساجد استان تهران است.



مدیریت



علیرضا میری‌مداح

مسجد محرومان

صفحه ۲۶



امیر مؤمنان

بزرگداشت عالمان مسجدی

صفحه ۳۵

علی سعیدیان

شفافیت مالی و مدیریت اقتصادی مسجد

صفحه ۳۸



ما کارخانه دار یا صاحب صنعت نیستیم، بلکه صنایع فرهنگی را در کارگاه های کوچک خانگی ایجاد می کنیم

می شود برایمان مثال بزنید؟



مثلاً یک بنکدار به ما سفارش تولید صد هزار عدد از یک عروسک دست ساز و پرفروش می دهد. خودش توانایی تولید در تعداد بالا را ندارد. ما وارد شده و برای او اجراکننده کار را پیدا می کنیم. یا برای مثال با فعالیتهای ارتباطی که با بدنه توزیع داریم، می بینیم فلان جامدادی را در ایام شهریورماه مثلاً ده هزار عدد نیاز داریم. این را از طریق سفارش به کارگاه خانگی کوچک، تأمین می کنیم. یا گاهی اتفاقی رخ می دهد و محصولی نیاز می شود که خود خانه ها تولید می کنند. مثلاً دیدیم نیاز است تغذیه سالم تولید شود. هرکدام از کارگاه ها بر اساس نیاز منطقه خودشان و در دست داشتن مواد اولیه با قیمت مناسب، شروع کردند غذاهای مختلفی را تولید و عرضه کردن.

این کارگاه کوچک خانگی را چطور



شناسایی می کنید؟ از چه واسطه هایی به اجراکننده کار می رسید؟

اثرگذاری و اهمیت نهادهای اجتماعی در طرح و فرایند تولید ما بسیار مهم و حیاتی است. نهاد اجتماعی به نهادهای فعال مردمی می گویند؛ نهادهایی که در محله ها دارای مخاطبین و محل تجمع، رفت و آمد و رفع نیازهای مردم هستند. مهم ترین نهاد اجتماعی که در حال حاضر در ایران داریم و به شدت اهمیت دارد، مسجد است. نهاد اجتماعی مسجد، متولی و هدایتگر و ناظر ایجاد

شما صاحب چه صنعتی هستید؟ در واقع



کار اصلی شما چیست؟

فعالیت ما در حوزه صنایع فرهنگی است. ما یک دسته کالا به نام صنایع فرهنگی داریم. اسباب بازی، پوشاک، لوازم التحریر، هدایا و تزئینات، جزء صنایع فرهنگی محسوب می شود. چیزهایی که معرف فرهنگ ماست و بخش عظیمی از وسایل و کارهایی که انسان به وسیله آنها زندگی روزمره اش را می گذراند، جزء صنایع فرهنگی است. کار ما تمرکز روی تولید و توزیع صنایع فرهنگی است. من خودم تولیدکننده یا کارگزار نیستم، من زمین بازی و فضایی را فراهم می کنم که افراد بتوانند با کارگاه های کوچک خانگی شان، محصولات و صنایع فرهنگی مناسب را تولید کنند. ما کارخانه دار یا صاحب صنعت نیستیم، بلکه صنایع فرهنگی را در کارگاه های کوچک خانگی ایجاد می کنیم.

از کسی سفارش می گیرید و تولید می کنید



یا خودتان بازاریابی می کنید و بعد از شناسایی محصول مورد نیاز وارد عرصه تولید و توزیع می شوید؟

ما هر دو مسیر را طی می کنیم. سفارش هایی از محصولات تولیدی توسط مردم، از توزیع کنندگان و فروشندگان عمده داریم. خیلی جاها هم دنبال یک محصول خلاق می گردیم و آن محصول را تولید و عرضه می کنیم.



پیش شماره ۶
تابستان ۱۴۰۰



دیدیم نیاز است
تغذیه سالم تولید
شود. هر کدام
از کارگاه‌ها بر
اساس نیاز منطقه
خودشان و در
دست داشتن
مواد اولیه با قیمت
مناسب، شروع
کردند غذاهای
مختلفی را تولید و
عرضه کردن

کسب‌وکارهایی است که به‌عنوان کسب‌وکار صنایع فرهنگی خدمت شما عرض کردم.

آیا تا به حال به مساجد مراجعه کرده تا بستری فراهم آورید که هم آموزش دهید و

هم بازار کسب‌وکارتان را ایجاد کنید؟

نهادهای اجتماعی، مهم‌ترین رکن زنجیره فعلیتی ما هستند و چندین تجربه خوب و موفق را با مسجدهای مختلف داشتیم. نهادهای اجتماعی دیگر هم در اولویت‌هایمان هستند؛ مثل خیریه‌ها، مدارس، حسینیه‌ها و هیئت‌ها که آنها هم نهادهای باارزشی هستند و می‌توانند نهاد اجتماعی موفق باشند. با این حال تلاش کرده‌ایم همیشه مسجد اولویتمان باشد.

استقبال مساجد از شما چطور بوده؟ خوب بوده یا نه؟ از شما حمایت کرده‌اند یا نتیجه

مناسبی نگرفتید؟

مسجدها باهم تفاوت‌های ریشه‌ای دارند؛ زیرا سطوح گوناگون و پتانسیل‌های مختلف دارند. برخی از مسجدها بی‌نهایت استقبال می‌کنند و همه توانشان را متمرکز می‌کنند که این حوزه مهم را در منطقه خودشان شکل دهند. با توجه به اهمیت حوزه اقتصادی و فشارهای اقتصادی و نیاز به افزایش اشتغال و کسب‌وکار، بعضی از مساجد این ضرورت را به‌خوبی احساس می‌کنند و برایش وقت می‌گذارند. متأسفانه بعضی از مساجد خیلی استقبال نمی‌کنند یا استقبال می‌کنند، اما نمی‌توانند نیروی کار متعهد

و جوانی که پای این کار پراهمیت بیاید و بایستد، پیدا کنند و کارشان ناتمام می‌ماند. عدم موفقیت آنها یا به دلیل عدم توجه به اهمیت موضوع است یا به کارکرد مسجد، نگاه دیگری دارند. شاید دلایل دیگری هم دارد که من نمی‌دانم.

در مساجدی که کارتان به سرانجام رسیده، چگونه فعالیت‌تان را آغاز کردید؟ چه کار

کردید که هم کار اقتصادی در جهت رشد آن محله باشد و هم فعالیت فرهنگی در جهت جذب مردم به مسجد به حساب بیاید؟

من باید اول فرایند تعاملی و ایجاد کارگاه‌ها را خدمت شما عرض کنم. اولین گام ما این است که نهاد اجتماعی را شناسایی کنیم. در نظر بگیرید ما خدمت امام جماعت یک مسجد، بچه‌های بسیج، ریش سفیدهای یک محله که به مسجد رفت‌وآمد می‌کنند، می‌رسیم و ضرورت ایجاد کسب‌وکار و اشتغال را برای فعالان آن محل توضیح می‌دهیم. وقتی به سخن مشترک رسیدیم، نهاد اجتماعی می‌شود متولی اطلاع‌رسانی برای جذب مخاطبان در منطقه و محله خودش. این مخاطبی که مطلع شده، یا به ایجاد کسب‌وکار علاقه دارد و کارآفرین است یا نه صرفاً توانایی کار کردن و اجرای کار در زمان بندی مناسب دارد. دسته سوم هم هستند که منابع مالی حداقلی در اختیار دارند که حاضرند به افراد دیگر قرض دهند تا صاحب کسب‌وکار شوند.

این روند، باری است که مسجد به دوش می‌کشد



پیش شماره ۶
تابستان ۱۴۰۰



نهادهای
اجتماعی،
مهم‌ترین رکن
زنجیره‌فعالیتی
ما هستند و
چندین تجربه
خوب و موفق
را با مسجدهای
مختلف داشتیم

صد میلیون تومان لازم دارد. ما به بزرگوارانی که از طریق سایت خودمان، سایت مجموعه کارما یا از طریق آن نهاد اجتماعی، این پول را برای ایجاد کسب‌وکار قرض می‌دهند، شبکه کریمان می‌گوییم.

به‌وسیله شبکه کریمان، صد میلیون تومان پول مورد نیاز آن شخص تأمین می‌شود. هرکس به اندازه توانش قرض می‌دهد. بعد از اینکه تأمین سرمایه شکل گرفت، ما به همراه آن نهاد اجتماعی و آن کلبه کار کمک می‌کنیم تا این فعالیت ان‌شاءالله کسب‌وکار پررونقی باشد و باروش خوب بتواند تولید و عرضه خودش را گسترش دهد.

بعضی وقت‌ها پول کامل نمی‌شود؛ یعنی ایده می‌آید، ولی به دلایل متنوع، پول مورد نیازش را نمی‌تواند جمع کند. حالا باید بررسی کنیم با مبلغی که جمع شده، می‌تواند این کسب‌وکار را راه اندازد یا نه. اگر نه، پول‌های مردم را برمی‌گردانیم و آن کسب‌وکار متأسفانه شکست می‌خورد.

اگر مایل هستید، بفرمایید این کارها برای شما آورده‌ای دارد یا نه؟



هر مجموعه‌ای برای اینکه حیات داشته باشد و شبکه مشاورین و کارشناس‌های کسب‌وکارش را هدایت کند، حتماً به منابع مالی نیاز دارد. این منابع مالی باید به‌صورت خودگردان از داخل خود همین کسب‌وکارها تأمین شود. ما هیچ سودی از پولی که مردم برای کسب‌وکارها قرض کردند، بر نمی‌داریم. هیچ سود یا کارمزدی را از قرض‌گیرنده یا کسی که

و شروع می‌کند به اطلاع‌رسانی در محل تا مردم ایده‌های کسب‌وکارشان را بیاورند، ما تحلیلش کنیم تا ایده‌شان موفق شود و رونق پیدا کند.

ایده‌های رسیده به مسجد چه مسیری را



طی می‌کنند تا به تولید برسند؟

فرض کنید سه ایده تولید رب خانگی، مانتوی مدرسه و عروسک پولیشی به مسجد آمده. کاری که از مسجد انتظار می‌رود انجام دهد، تشکیل کلبه‌های کار است. در این مرحله ستاد کاری ما هم کنارشان هستند و کمکشان می‌کنند. برای تشکیل این کلبه، افراد شایسته حوزه کسب‌وکار مثل دانشجویهای تحصیل کرده یا کاسبان موفق محل که توانایی‌های خاصی دارند، دعوت می‌شوند. کارشناس ما هم به آنها اضافه می‌شود و کلبه کار به‌صورت تخصصی در مسجد به ارزیابی ایده‌های کسب‌وکار مشغول می‌شوند.

در بخش ارزیابی امکان موفقیت، بحث مالی پروژه و خروجی تولید بررسی می‌شود. اگر کسب‌وکاری از کلبه کارنامه موفقیت‌آمیز گرفت، وارد فرایند جذب سرمایه می‌شود.

سرمایه از کجا تأمین می‌شود؟



فرض کنید شخصی صد میلیون نیاز دارد که کسب‌وکارش را راه‌اندازی کند. پس از تأیید کلبه کار در پلتفرم کارما و همچنین همان نهاد اجتماعی، فراخوان داده می‌شود که این آقا برای این کسب‌وکار

می خواهد کسب و کار را شکل دهد، نمی گیریم. تنها بخشی که برای زنجیره فعالیت ما سود حداقلی دارد - که این سود حداقلی هم برای هزینه های بقای مجموعه است تا به جایی وابسته نباشد - در مرحله تأمین فروش کالاهاست؛ یعنی محصولاتی که تولید می شوند و برایشان بازاری سازی صورت می گیرد که محصول را بفروشند، برای ما حاشیه سودی دارد و آن حاشیه سود می شود هزینه بقای مجموعه ما.

در پایان بفرمایید که شما را باید صنعتگر فرهنگی بشناسیم یا فعال فرهنگی در حوزه صنعت؟ منظورم این است که دغدغه اصلی تان کدام است که باعث شده

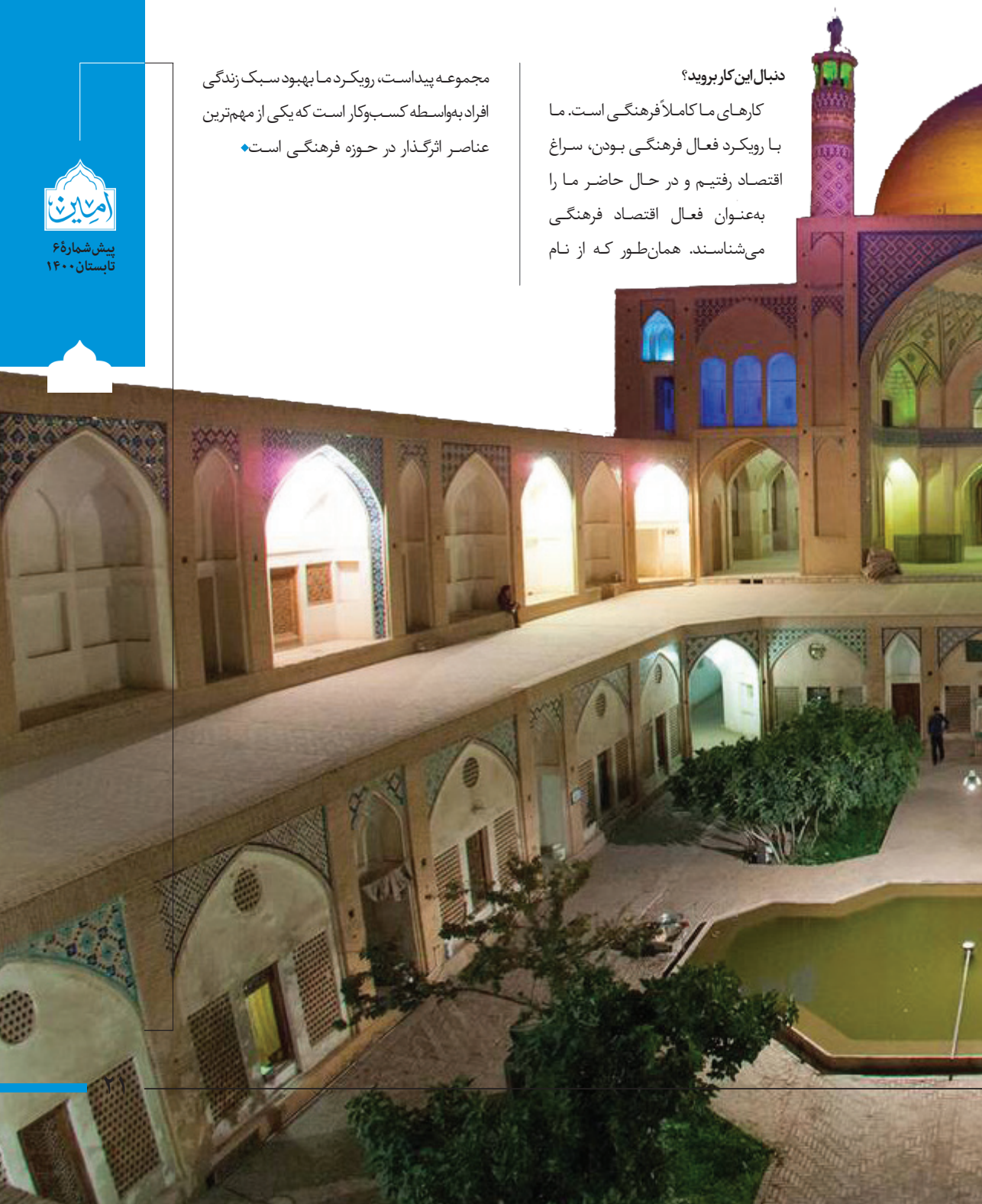


پیش شماره ۶
تابستان ۱۴۰۰

مجموعه پیداست، رویکرد ما بهبود سبک زندگی
افراد به واسطه کسب و کار است که یکی از مهم‌ترین
عناصر اثرگذار در حوزه فرهنگی است ♦

دنبال این کار بروید؟

کارهای ما کاملاً فرهنگی است. ما
با رویکرد فعال فرهنگی بودن، سراغ
اقتصاد رفتیم و در حال حاضر ما را
به عنوان فعال اقتصاد فرهنگی
می‌شناسند. همان‌طور که از نام



تندها راه پیشرفت شخصی و گروهی

نقدپذیری، هنر متولیان مسجد

هادی نقوی

سرخط هدایت

در ادبیات دینی پذیرش انتقاد سالم سرآغاز اصلاح و سرخط هدایت و رستگاری است. انتقادپذیری در مقابل خودپسندی، تکبر، لجاجت و طغیان قرار دارد. مقاومت در برابر تذکر، موعظه، نصیحت، دعوت به خیر، توأسی به حق و امر به معروف و نهی از منکر، فرجامی غیر از تباهی فرد و جامعه نخواهد داشت.

نمونه‌های قرآنی، روایی و تاریخی فراوانی برای انتقادپذیری و برخورداری از ثمرات شیرین آن وجود دارد. قصه یوسف پیامبر، حکایت عجیب و آموزنده‌ای است. ولی آیا تابه حال به حق پذیر و منطبق پادشاه و عزیز مصر اندیشیده‌ایم؟ مگر این صفت نیک آن دو منجر به هدایت، نجات و عمران مصر و مردمش نشد؟ اگر آنها اعتراضات بر حق حضرت یوسف بر آیین و سبک زندگی‌شان را بر نمی‌تاییدند، چه

کدام نقد؟

تحمل انتقاد سخت است. بیشتر ما از انتقاد دیگران از خودمان استقبال نمی‌کنیم؛ چراکه انتقاد را غر زدن و ایراد بی مورد می‌دانیم و عیب‌بایی دیگران را تخریب می‌پنداریم. اما آیا انتقاد تنها غر زدن و تخریب و حمله دشمن است و باید در قبال آن موضعی دفاعی بگیریم؟

انتقاد، جدا کردن سره از ناسره است. نقد، یافتن و نشان دادن است تا اگر کسی خواست، راهش را بیابد و اگر نخواست عذری نداشته باشد.^۱

انتقاد ارزیابی بُعد اجتماعی ماست؛ نشان دادن خطوط و رنگ‌های نامتوازن با تابلوی زیبای زندگی است؛ توجه دادن به کجی دیواری است که ساخته‌ایم؛ بررسی مقدار صحت و سقم مسیری است که طی کرده‌ایم. منظور این نوشتار این معنی ترمیمی است، نه تخریب.



انتقاد ارزیابی بُعد اجتماعی ماست؛ نشان دادن خطوط و رنگ‌های نامتوازن با تابلوی زیبای زندگی است؛ توجه دادن به کجی دیواری است که ساخته‌ایم



پذیرش اعتراض و
عیب جویی بر حق
دیگران، سازندگی
مادی و معنوی و
تکامل شخصیتی
مؤمن را به ارمغان
می آورد

و فساد دین و دنیایش کشیده شود. از سوی دیگر پذیرش اعتراض و عیب جویی بر حق دیگران، سازندگی مادی و معنوی و تکامل شخصیتی مؤمن را به ارمغان می آورد. تا جایی که امام بی عیب و نقص و معصوم! امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَى مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي»^۲ محبوبترین برادرانم کسی است که عیبهای مرا به من هدیه کند». تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

حساسیت موضوع در جایی است که فردی در مسند امور باشد و مسئولیتی در جامعه ایمانی بر عهده داشته باشد. نقش و تأثیر عملکرد کارگزاران حکومت اسلامی در دین داری بخشی از مردم قابل انکار نیست. حالا دیگر سخن از صلاح و فساد اجتماع است. ترویج و نمایش استقبال از آرای متفاوت و انتقادات سازنده، عقلانیت و آرامش خاطر عمومی را به همراه دارد و در مقابل، سرکوب

اتفاقی می افتاد؟ آیا ملک و ملتی در دام ابلیسیان، به مرارت بی حاصل دنیا و دوزخ بی پایان آخرت گرفتار نمی شد؟ آری، ایشان سخنان جوان حق گوی غریبه را گوش دادند و پذیرفتند و دستگیر شدند. هنر نجاشی، پادشاه حبشه نیز گوش دادن به سخنان جناب جعفر بن ابی طالب - فرستاده پیامبر رحمت - و خردورزی و پذیرش انتقادات به زندگی طاغوتی بود. مأموران مشرکان قریش در پی دستگیری و بازگرداندن جعفر و یارانش تا حبشه آمدند، اما پادشاه حق طلب حبشه به فرستادگان پیامبر امان داد و سالها میزبان شایسته ای برای منتقدین سبک زندگی شیطانی بود.

حساسیت موضوع

اگر فردی انتقادناپذیر باشد، خود را از خیر و هدایت محروم کرده و ممکن است به سوی سقوط

«
خیال نکنید من از شنیدن این جور حرف‌ها ناراحت می‌شوم. نه... من از اینکه این حرف‌ها زده نشود، ناراحت می‌شوم»

دیدگاه‌های مخالف و جلوگیری از بیان آنها، تهدیدی برای سرمایه اجتماعی حکومت و اعتماد مردم به نظام محسوب می‌شود.

رهبران انقلاب اسلامی همواره بر این مهم اصرار ورزیده و برای نهادهای سازنده نقدپذیری مسئولین کوشیده‌اند. نمونه‌ای از بیانات ایشان را ملاحظه کنیم:

امام‌راحل در نامه‌ای که به رئیس‌جمهور وقت نوشتند، مرقوم داشتند: «البته نباید ماها گمان کنیم که هر چه می‌گوییم و می‌کنیم کسی را حق اشکال نیست. اشکال، بلکه تخطئه، یک هدیه الهی است برای رشد انسان‌ها».^۳

رهبری معظم هم درباره سخنان دانشجوی منتقد سال ۸۸ گفتند: «خیال نکنید من از شنیدن این جور حرف‌ها ناراحت می‌شوم. نه... من از اینکه این حرف‌ها زده نشود، ناراحت می‌شوم. در جلسات دانشجویی، دانشگاهی که اینجا هستند، بنده گاهی که ببینم حالا بعضی‌ها روی ملاحظه، روی احترام، روی هر چه، بعضی از این حرف‌ها را که خیال می‌کنند من خوشم نمی‌آید، نمی‌زنند؛ از نگفتنش ناراحت می‌شوم؛ از گفتنش مطلقاً ناراحت نمی‌شوم».

بی‌گمان نقدپذیری، شاخص و رایحه خوش درستکاری است.

انعطاف مسئولان مسجد

مسجد محله دارای فرماندهان و اتاق فکری است که با ایشان شناخته می‌شود. امام جماعت و هیئت‌امنا راهبران فرهنگی و مدیران برنامه‌های

مسجد هستند. طبیعی است که اختلاف نظرات و سلايق در جلساتشان خودنمایی کند؛ اما حق با کیست و چگونه باید این معضلات را مدیریت کرد؟ آیا مردم و جماعت، به‌ویژه جوانان و نوجوانان از تفرقه و اختلاف‌گريزان نیستند؟

امیر المؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «دل‌های مردم رمنده است (باهم آشنایی ندارند) پس هر که آنها را (با همراهی و نیکی و دوستی) به دست آورد، به او رو می‌آورد».^۴ قطعاً برتبابیدن اعتراضات درست منجر به قهر دل‌های باطراوت و آماده جوانان با مسجد خواهد شد. توقع مردم از مسجدی‌ترین افراد، انتخاب گزینه اصلاح و تکامل در میدان اختلافات است.

برای هر رهبر، مدیر، امین مسجد و هیئت، مبلغ و به‌طور کلی هر کس که با مردم سروکار دارد، داشتن شرح صدر لازم است. چه بهتر که امانان و امینان مساجد به هنگام بروز اختلاف نظر با همدیگر، وسعت روحی و ظرفیت بالایی داشته باشند. شاید تقویت سعه صدر تنها راهبرد اتصال و وحدت و جذب حداکثری اهالی محل و پذیرش اعتراضات باشد.

سه راه قرآنی

سه راهکار عملی برای تقویت سعه صدر پیشنهاد می‌شود:

ذکر و یاد خداوند

قلب و جان انسان فطرتاً به دنبال سعادت و کمال است. آنچه که انسان را به لنگرگاه سعادت متصل می‌کند و او را محکم در مسیر حق حفظ



پیش شماره ۶
تابستان ۱۴۰۰



باید تجربه شود که
حل مشکلات و
تضعیف نامالایمات
در پرتو پناه به نماز
و عبادت و اتصال
به قدرت بی کران
الهی محقق
می شود

است مانند گفتن سبحان الله والحمد لله و امثال آن. «بنابر این می توان این نتیجه را گرفت که نماز به عنوان رکنی اساسی در برطرف کردن بسیاری از مشکلات می تواند کمک کننده باشد.

۳ درخواست از خدا

چنان که پیامبر بزرگ الهی، حضرت موسی علیه السلام برای انجام رسالت خطیر خویش و مواجهه با فرعونیان از خدای منان چنین مسئلت می کند: «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي؛^۶ پروردگارا سینه ام را آماده ساز.»

بی ادن او اتفاقی نمی افتد؛ تغییری ایجاد نمی شود و ننگ خودخواهی رنگ نمی بازد. آیه اول^۷ سوره انشراح نیز شاهد مدعاست. یادآوری جمله حضرت موسی علیه السلام در کلام خداوند به اهمیت آن می افزاید که دعا در این مورد قطعا اثرگذار خواهد بود. پس خداوند سینه ما را آماده ساز برای سختی هایی که در راه تو با آن مواجه هستیم ♦

پی نوشت:

۱. علی صفایی حائری، روش نقد، ص ۱۵-۱۶.
۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۳۹.
۳. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۵۱.
۴. نهج البلاغه (صبحی صالح)، حکمت ۵۰.
۵. حجر: ۹۷-۹۸.
۶. طه: ۲۵.
۷. «الْمُشْرَحُ لَكَ صَدْرُكَ؛ آیامسینه تورا گشاده نساختیم؟».

می کند خداوند متعال است. یاد خداوند انسان را به مبداء هستی نزدیک می کند. یاد خداست که آرامش دهنده قلوب است و تنها راه آرامش نهایی و حقیقی نیز همین است؛ چنان که قرآن در سوره مبارکه رعد آیه ۲۸ می فرماید: «الَّذِي يُذَكِّرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». به این نکته نیز باید توجه کرد که یاد خداوند صرفا به ذکر یا تسبیح نیست؛ اینکه همواره انسان بداند در محضر خدای متعال حضور دارد و در هر حال متوجه حضور او باشد از مراتب یاد و ذکر خداست.

۲ عبادت

«وَلَقَدْ نَعَلْنَاكَ صِدْرَكَ بِمَا يَتَّوَلُونَ* فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِنَ السَّاجِدِينَ؛ و ما می دانیم سینه ات از آنچه آنان می گویند تنگ می شود و تو را سخت ناراحت می کند. برای رفع ناراحتی از آنان پروردگارت را تسبیح و حمد بگو و از سجده کنندگان باش.»^۵

باید تجربه شود که حل مشکلات و تضعیف نامالایمات در پرتو پناه به نماز و عبادت و اتصال به قدرت بی کران الهی محقق می شود. چنان که علامه طباطبایی در ذیل تفسیر همین آیه می فرماید: «معلوم می شود که تسبیح و حمد خدا و سجده و عبادت، در زایل کردن اندوه و سبک کردن مصیبت، اثر دارد.» این مفسر بزرگ در ادامه تاکید می کند: «مراد از ساجدین در آیه مورد بحث، نمازگزاران است، و دستور، دستور به نماز خواندن است نه تنها سجده، و اگر نماز را سجده نامید به خاطر این است که سجده افضل اجزای نماز است. و مقصود از تسبیح و تحمید، تسبیح و تحمید زبانی



پیش شماره ۶
تابستان ۱۴۰۰

مسجد محرومان

قسمتی از معیشت اقشار کم درآمد بر عهده این مسجد است

به کوشش: مهدی عبدی

شماره: نزدیک ۳۵ سال پیش مسجد المهدی را مرحوم حجت الاسلام میرشفیعی در جنوب شرقی تهران تأسیس

نمود. پس از تکمیل ساختمان مسجد، از همان ابتدا مسجد فعالیت‌های چشمگیری را آغاز کرد. علیرضا

میری مداح، عضو حقوق دان هیئت امنای فعلی مسجد در گفتگویی زیر به بیان سابقه فعالیت‌ها و عملکرد کنونی

مسجد پرداخته است.



عمده فعالیت

مسجد المهدی در زمینه کمک به اقشار کم‌برخوردار بوده است. مسجد ما حدود دویست خانوار آسیب‌پذیر از اهالی محل را شناسایی کرده و آنها را تحت پوشش دارد

در ابتدا مسجد را معرفی کرده و بگویند



مسجد شما در چه زمینه‌ای عملکرد

موفقی داشته است؟

مسجد المهدی حدوداً از سال ۱۳۷۰ فعالیت‌های مذهبی، سیاسی و اجتماعی خود را به صورت جدی و فعال آغاز کرده است. مشاوره‌های حقوقی، روان‌شناسی، خانواده، طب سنتی برای مراجعه‌کنندگان و نمازگزاران توسط متخصصان ذی‌ربط انجام می‌گیرد. اما عمده فعالیت مسجد المهدی در زمینه کمک به اقشار کم‌برخوردار بوده است. مسجد ما حدود دویست خانوار آسیب‌پذیر از اهالی محل را شناسایی کرده و آنها را تحت پوشش دارد. همچنین یک صندوق قرض الحسنه در مسجد

ایجاد شده که با پرداخت وام‌های ضروری، هر چند به صورت محدود، در گره‌گشایی از افراد نیازمند، سعی و تلاش می‌کند. علاوه بر آن در تهیه جهیزیه برای دختران کم‌بضاعت هم فعالیت دارد.

چه عاملی باعث شده که مسجد در



زمینه‌هایی که فرمودید، به خصوص در

فعالیت‌های اقتصادی، موفق باشد؟

یکی از موفق‌ترین عرصه‌های فعالیت مسجد، همین تحت پوشش قرار دادن خانواده‌های کم‌برخوردار و ایجاد صندوق قرض الحسنه است. عامل مهمش مشارکت‌های مردمی و سهیم بودن نمازگزاران در این امر است. واقعاً استقبال خوبی



چون وکیل پایه یک

دادگستری
هستم، ضمن
انجام امور
حقوقی مسجد،
مشاوره‌های
حقوقی مربوط به
مباحث خانواده را
به صورت رایگان
برای مردم انجام
می‌دهم



امروز ادامه پیدا کرده است. البته در حال حاضر با همفکری هیئت‌امنا و امام جماعت توسعه پیدا کرده و افراد زیادی در این زمینه مشارکت کرده و پولشان را در صندوق قرض الحسنه به‌عنوان سرمایه اصلی قرار داده‌اند.

اعضای هیئت‌امنا در مسجد شما به چه



شکلی انتخاب می‌شوند؟

اعضای هیئت‌امنا با پیشنهاد معتمدین محل و مسجد، و با تأیید امام جماعت، به مرکز امور مساجد معرفی و تعیین می‌شوند.

در این زمینه شده و توانسته‌ایم کار عام‌المنفعه و خداپسندانه‌ای در این زمینه انجام دهیم. من این دو موضوع را از جمله موفق‌ترین کارهایی می‌دانم که در مسجد صورت می‌گیرد.

این کارها سابقه زیادی دارد؛ یعنی از همان



تأسیس مسجد شروع شده یا اخیراً اجرایی

شده؟

موضوعی که خدمت‌تان عرض کردم، چند سالی است که شروع شده، ولی پیشینه آن به حدود سیزده سال پیش برمی‌گردد که امام جماعت قبلی مسجد، آقای میرشفیعی تشریف داشتند. ایشان بنای این کار را نهادند و به همین صورت تا به



میانگین سنی اعضا چگونه است؟

متوسط سن هیئت‌امنا بین پنجاه تا هشتاد سال است. نمی‌دانم خوب است یا نه، ولی به نظر می‌رسد اعضای کنونی هیئت‌امنا، از تجربه و جافتادگی بیشتری برخوردار هستند. ولی به نظرم می‌آید جا دارد که در این زمینه، فعالیت شود و افراد جوان‌تر هم در این امر مشارکت داشته باشند. البته بسیج در مسجد ما، فعالیت چشم‌گیری دارد. جوان‌ها آنجا هستند، آموزش می‌دهند، کلاس‌های مختلف برای نمازگزاران جوان و نوجوان دارند. فعالیت جوان‌ها در مسجد بیشتر در قالب فعالیت پایگاه بسیج انجام می‌شود و به‌نوعی مرحله‌ای از مدیریت را در آنجا می‌گذرانند. هیئت‌امنا هم نظارت کلی به کارهای آنها دارد.



نمازگزاران و مردم چه دیدگاهی نسبت به

اعضای هیئت‌امنا دارند؟

هیئت‌امنا می‌تواند تلاش کرده مسائل جاری مسجد را به کمک مردم و جوان‌ها بگرداند. به‌نوعی اینها باهم در مسجد زندگی می‌کنند و خودشان را از

هم جدا نمی‌دانند. مردم هم حضور همیشگی و فعال در کارهای مسجد دارند و به هیئت‌امنا کمک می‌کنند. نمونه‌اش را در بحث صندوق توضیح دادم.



ترکیب هیئت‌امنا پتان چطور است؟ آیا

عرصه اقتصادی، فرهنگی و جنبه‌های مختلفی که در جامعه وجود دارد، در ترکیب هیئت‌امنا هم مدنظر گرفته شده؟

هیئت‌امنا می‌تواند ما هفت نفر عضو دارد و امام جماعت محترم عضو هیئت‌امنا نیستند. یکی از اعضا، خانم بسیار فعالی است به نام خانم بیات که مسائل مربوط به خانم‌ها را سرپرستی می‌کند. در بحث جهیزیه ایشان بیشتر پیگیری می‌کند. نفر دیگر پسر امام جماعتی است که این مسجد را در سال ۶۶-۶۵ ساختند. آقای محسن میرشفیعی، بعد از فوت پدرشان جزء هیئت‌امنا انتخاب شدند و همچنان فعالیت می‌کنند و حدود پنجاه سال سن دارند. دو نفر دیگر هم از بزرگ‌ترها و کسانی هستند که از ابتدا در مسجد بودند و دارای تجربه خیلی خوبی هستند و از لحاظ مالی، به‌نوعی مسجد را حمایت می‌کنند و از افراد دیگر در زمینه‌های مالی



گاهی برای کارهایی که تعریف می‌کنیم، چون بودجه در اختیارمان نیست، نمی‌توانیم کاری از پیش ببریم. در بیشتر موارد هم هزینه‌ها دیر پرداخت می‌شود و در عمل دست ما را می‌بندد



برگزار شود.

نیز کمک می گیرند.

همچنین بنده چون وکیل پایه یک دادگستری هستم، ضمن انجام امور حقوقی مسجد، مشاوره های حقوقی مربوط به مباحث خانواده را به صورت رایگان برای مردم انجام می دهم. با وجود این سالی را به عنوان میز خدمت در نظر گرفتیم و در آن از روان شناسان، هم خانم هم آقا، پزشکان سنتی و ... استفاده می کنیم و در این میزهای خدمت به صورت رایگان به مردم محل و نمازگزاران، خدماتی ارائه می کنیم.

نوآوری شما برای خدمات بهتر در مسجد

چه بوده است؟

قبل از اینکه بنده عضو هیئت امنا شوم هم این مشاوره ها را در مسجد داشتیم؛ ولی بعد از اینکه عضو هیئت امنا شدم، به صورت رسمی کار انجام می شود و مشاوره حقوقی داده می شود. در عین حال زمانی که بنده عضو هیئت امنا شدم، سعی شده که ضمن پیگیری مصوبات گذشته هیئت امنا و بازبینی آن، وحدت و همدلی و یکپارچگی بیشتری بین اعضا برقرار شود و جلسات به صورت مستمر و منظم تری

پس جلساتتان نظم و ترتیب خاصی گرفته

است؟

بله، هر هفته در این خصوص دو جلسه داریم و سه نفر از اعضای هیئت امنا، یعنی آقایان قادری و عینی و همچنین خانم بیات، می شود گفت تمام وقتشان را وقف مسجد کرده اند. بنده و آقای میرشفیعی و یکی دو نفر دیگر با توجه به اینکه شغل داریم، نمی توانیم تمام وقت در مسجد باشیم. با این حال سعی می کنیم در جلسات به صورت مرتب شرکت کنیم و کارهایی که از دستمان برمی آید، در زمان حضورمان در مسجد انجام دهیم. تقسیم کار اتفاق افتاده و مدیریت امور مسجد بین اعضای هیئت امنا تقسیم شده است.

از سختی های کار اعضای هیئت امنا

برایمان بگویید.

هر کاری سختی خودش را دارد، ولی سختی ها معمولاً با یکپارچگی و همدلی آسان می شود. یکی از مواردی که باعث سختی کار در مسجد شده،



پیش شماره ۶
تأستان ۱۴۰۰



«خدا وقتی به

بنده ای عنایت

کند، او را

خدمتگزار خانه

خودش قرار

می دهد». این یکی

از شیرین ترین

خاطراتم است

و من این سخن

را که شنیدم،

خیلی خوشحال

شدم و از آن زمان

سعی می کنم با

شوق و ذوق کارهای

مسجد را انجام

دهم

کمبود امکانات و نبود بودجه کافی جهت انجام امور جاری مسجد است. این مسئله ما را مقداری با سختی مواجه کرده؛ چون کارهایمان زیاد و خواسته‌های مردم نیز فراوان است. کارهای جاری را باید انجام داد و در عین حال بودجه کافی وجود ندارد؛ لذا کارها را به سختی انجام می‌دهیم.

چطور منابع مالی مسجد را مدیریت می‌کنید؟

منابع مسجد زیر نظر سازمان اوقاف است و پول‌هایی که از اجاره و دیگر موارد گرفته می‌شود، همه به حساب اوقاف واریز می‌شود. ما باید هزینه امور جاری مان را فاکتور کرده و به سازمان اوقاف ببریم. امور مالی، آنها را بررسی کند و این موارد را به ما پرداخت نماید. گاهی برای کارهایی که تعریف می‌کنیم، چون بودجه در اختیارمان نیست، نمی‌توانیم کاری از پیش ببریم. در بیشتر موارد هم هزینه‌ها دیر پرداخت می‌شود و در عمل دست ما را می‌بندد. خودمان پول مستقلاً نداریم. هر کاری که انجام می‌دهیم، باید از اوقاف درخواست کنیم تا هزینه‌اش را به ما بدهد. متأسفانه تنخواهی هم برای مسجد مشخص نشده که روی آن حساب کنیم. یکی دو نفر در این میان چون وضع مادی‌شان یک مقدار بهتر است، بیشتر مواقع از خودشان هزینه می‌کنند، سپس هزینه‌اش را از سازمان اوقاف می‌گیریم. اگر می‌شد امور مساجد پیگیری می‌کرد یا اوقاف مساعدتی می‌کرد پولی را به عنوان تنخواه در اختیار مسجد می‌گذاشت، کارها خیلی راحت‌تر

انجام می‌شد. حداقل دغدغه فراهم کردن پول از بین می‌رفت.

لذت‌بخش‌ترین و شیرین‌ترین خاطره خود را از مسجد بفرمایید؛ چه از دوران گذشته

و چه زمانی که عضو هیئت‌امنا بودید. پدر بزرگم خادم مسجدی در پامنار به نام مسجد بهاء الدوله بود؛ روبروی مسجد لاریجانی که حضرت آیت‌الله کاشانی بزرگ آنجا نماز می‌خواندند. من به نوعی خادم‌زاده هستم. وقتی عضو هیئت‌امنا می‌شدم، یکی از بزرگان به من فرمود: «خدا وقتی به بنده‌ای عنایت کند، او را خدمتگزار خانه خودش قرار می‌دهد». این یکی از شیرین‌ترین خاطراتم است و من این سخن را که شنیدم، خیلی خوشحال شدم و از آن زمان سعی می‌کنم با شوق و ذوق کارهای مسجد را انجام دهم.

با توجه به مشکلاتی که فرمودید، آیا باز هم عضو هیئت‌امنا خواهید شد؟

البته تا جایی که از دستم برآید، خدمت می‌کنم و تا جایی هم که خدا توفیق دهد، بله. چرا که نه! ان‌شاءالله اگر عمری باشد و خدا لیاقتش را بدهد، سعی می‌کنم تا جایی که به‌مانیاز دارند، اینجا خدمت کنم. من در پایان فقط لازم می‌دانم که از امام جماعت محترم جناب حجت‌الاسلام میر خلیلی که در مسجد خیلی فعال هستند و سایر اعضای هیئت‌امنا که همگی واقعاً سمت استادی برای بنده دارند، تقدیر و تشکر ویژه کنم. ♦

تجلیگاه هنر اسلامی

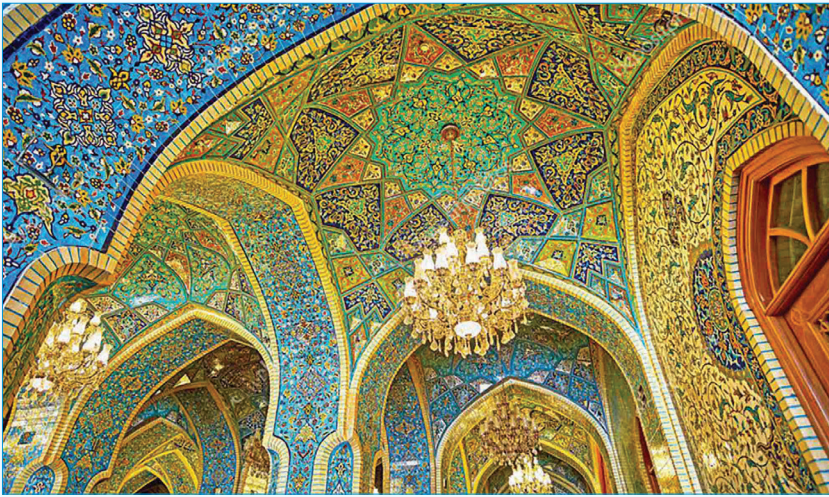
نگاهی به اهمیت مرمت و زیباسازی ساختمان مسجد

رضا حیدری

گوناگون و با حسن سلیقه خلق شود تا استحکام و زیباسازی مسجد را از هر جهت کامل سازد. در ساختار مساجد امروزی، علاوه بر در نظر گرفتن این سه اصل، ضروری است فضاهای لازم در مقیاس و اندازه قابل قبول و متناسب با معماری سنتی-اسلامی ساخته شود تا مسجد غیر از کانون توحیدی، با فضاهای خود سبب ایجاد انگیزه‌های فرهنگی، آموزشی، پژوهشی، تحقیقاتی، هنری، تفریحی ورزشی و ... برای عامه مردم، خصوصاً جوانان شود. به‌طور مثال کاشی کاری سنتی از مهم‌ترین عناصر تزئینی مساجد ایرانی است. در این باره خادمین مسجد می‌توانند طرح‌هایی به کارگیرند که به‌دور از هرگونه تکلف ظاهری، مفاهیم و معارف الهی را در عین زیبایی و سادگی، برای نظاره‌گران تداعی سازد. حجت‌الاسلام قرانتی در این باره می‌فرماید: «کاشی کاری‌های مسجد باید در موضوعات و معارف مسجد و قابل استفاده برای مردم باشد. مثلاً شکایت نماز، شرایط امام

امروزه ساختمان هر مسجد، محل تجلی مجموعه‌ای از هنرهاست. در مساجد نه تنها دین با هنر ملاقات می‌کند، بلکه مهم‌ترین نمود هنر اسلامی، در معماری مساجد امروز ما نمایان است. به همین خاطر مسجد در بردارنده رسالت دینی و اجتماعی است و در واقع همچون آینه‌ای است که وضعیت فرهنگی و اجتماعی عصر خود را منعکس می‌سازد. معماری مسجد از جهتی مسیر تحولات و تغییرات ایجاد شده در شیوه زندگی جوامع مسلمان را نشان می‌دهد و می‌توان گفت نمایانگر عمق برداشت‌های بنیان و سازندگان هر زمان از جوهره ذهنیت و ایمان جامعه مسلمان معاصر آن است. از این حیث «بنای مسجد» می‌تواند جایگاه تمدنی و همچنین جهان بینی مسلمانان هر عصر را پیش چشم مردمان تاریخ قرار دهد.

در نگاه مهندسان معماری، ساختمان مسجد باید از سه اصل: «طراحی»، «اجرای سازه‌ای» و «نماسازی» برخوردار باشد و با استفاده از مصالح



به شمار می‌رفت.

مسجد جامع بازار (جامع عتیق)؛ تاریخ ساخت این مسجد به طور دقیق مشخص نیست ولی حدوداً در دوره شاه عباس دوم بنا شده است. مسجد حضرت سیدالشهداء (مسجد معزالدوله)؛ از بناهای خیریه محمد اسماعیل میرزا معزالدوله، نوه عباس میرزا است که در سال ۱۳۱۷ تاسیس شد. البته تعداد مساجدی که در چند قرن اخیر در تهران ساخته شده است و با معماری ایرانی و اسلامی در تناسب است زیادتر از این تعداد است که در این مقاله جای پرداختن به آنها نیست.

مسئولیت خطیر بانیان مسجد در حفظ و

بازسازی ساختمان مسجد

همگی نیک می‌دانیم که بسیاری از ساختمان‌های مساجد، آثاری قدیمی و تاریخی محسوب می‌شوند و باید میان این اماکن مذهبی و سایر ساختمان‌های شهری تمایز قائل شد.

جماعت و آداب مسجد را با خط خوانا و زیبا در آن نوشته باشند. یعنی کاشی‌کاری‌ها باید الهام‌بخش باشد. ما آمده ایم با خط کوفی که هیچ‌کس از آن سر در نمی‌آورد، آیات و روایات را در کاشی‌کاری‌های مساجد می‌نویسیم و مثلاً دیوار مسجد را تزئین می‌کنیم. این خطوط ناخوانا چه فایده‌ای دارد؟». بنابراین محیط مسجد در بردارنده اجزای هنری گوناگونی است و این اجزا در کنار هم فضا و مکان خاصی پدید می‌آورند؛ فضا و مکانی که برای ایجاد رابطه میان خدا و خلق او مناسب باشد و در عین داشتن «شکوه و جلال»، «آراستگی و تزیین» ذهن انسان را به جای توجه به خداوند سبحان به خود بنا مشغول نسازد.

ذکر چند مثال از معماری زیبا و اسلامی در

مساجد تهران

مسجد امام خمینی (سلطانی)؛ این مسجد با قدمتی ۱۸۰ ساله دومین مسجد بزرگ جامع تهران



۱ اهمیت دادن به زیبایی و شکوه مسجد، در عین سادگی و پرهیز از اسراف و دنیاگرایی، شایسته است.

۲ توصیه می شود نور مسجد به اندازه ای باشد که نه مصداق اسراف باشد، نه آن قدر کم نور و دلگیرکننده که بر روحیه اشخاص بازتاب منفی ایجاد کند.

۳ توصیه می شود معماری در پی خلق فضایی باشد تا عباد بتواند حضور خدا را احساس نماید؛ پس استفاده از هرگونه نوآوری و ابتکار باید با توصیه های دینی در عرصه ساخت و ساز مسجد منطبق باشد و از روش های سنتی نیز الهام گرفته باشد.

۴ مسجدی که دارای «صحن» و «حیاط» و «حوض» و «آب نما» باشد، باعث ایجاد نشاط و سرزندگی خواهد شد و عامل معنوی مؤثری برای جذب افراد خواهد بود.

امروزه در برخی مساجد شاهد هستیم که فقط تلاش شده فضایی ساخته شود که لباس مسجد را بپوشد، نه فضایی که به راستی تداعی گر و تجلی گاه معماری مسجد باشد. به همین خاطر مساجد باید دارای عناصر هویتی لازم برای بازساخت آنها از سایر بناهای شهری باشند که متأسفانه از این موضوع غفلت شده است. ریزه کاری هایی که باید در بازسازی ساختمان مسجد رعایت شود، در انواع دیگر ساختمان مورد نیاز نیست؛ بنابراین در بازسازی ساختمان مسجد باید اطلاعات دقیقی مختص بازسازی این نوع ساختمان در دست داشت.

از سوی دیگر باید در نظر داشت که تغییرات و بازسازی که در ساختمان مسجد انجام می شود، در ابعادی کوچک باشد تا ساختار کلی مسجد و ریزه کاری های آن حفظ شود. در ادامه به ذکر چند پیشنهاد در راستای مدیریت بهتر نمای ساختمانی مسجد می پردازیم:



بناهای تمدنی که امروز در اختیار ماست، ظرافت و هوشمندی بنیان آن را می‌طلبند؛ به طوری که بنای ساخته شده با اعتقادات سازندگان آن پیوندی ناگسستنی دارد و در واقع ساختمان زیبا، جمال باطن پدیدآورنده آن را هویدا می‌سازد. از این رو ضروری است که مساجد را از جهت استحکام و نماسازی و همچنین زیبایی هنری در مقیاسی اصولی و خلاقانه بنا کنیم تا روزگاری دراز برای نسل‌ها پابرجا و استوار قابل استفاده باشد.♦

منابع:

۱. حسین زُمرشیدی و زهرا زُمرشیدی، «معماری مساجد ایران و هنرهای قدسی آن»، فصل‌نامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، بهار ۱۳۹۳، شماره ۱۵، ص ۵-۲۰.
۲. سایت پایگاه تخصصی مسجد، مقاله بررسی تأثیر هنر و زیباسازی در طراحی مسجد.
۳. قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه.
۴. مسجد باید این گونه باشد، مصاحبه حجت الاسلام و المسلمین قرائتی.

توجه به این نکته برای بازسازی ساختمان مسجد ضروری است که برای بازسازی به اطلاعات کافی درباره مرمت آثار تاریخی احتیاج است؛ بنابراین متولیان کار، باید آگاهی لازم در زمینه معماری سنتی و اسلامی داشته باشند.

مکان و محل استقرار مسجد در مسیر گذرگاه‌های اصلی محلی و شهری واقع شود؛ چراکه مسجد در معابر درون شهری و روستایی از دیگر معابر نمایان‌تر و چشم‌گیرتر بوده است.

حتما در ساخت، طراحی و بازسازی مساجد با دفتر فنی مهندسی مرکز رسیدگی به امور مساجد در ساخت و ساز هماهنگی صورت گیرد.

در طراحی و ساخت سرویس‌های بهداشتی دقت نظر به عمل آید. مکان و فاصله مناسب با فضای مسجد، ضد بو بودن، طراحی ویژه افراد سالخورده و معلول و ... باید در این باره مورد توجه قرار گیرد.

در انتها باید گفت حفظ و نگهداری این



بنای مسجد»
می‌تواند جایگاه تمدنی و همچنین جهان‌بینی مسلمانان هر عصر را پیش چشم مردمان تاریخ قرار دهد

حدیث سرو از زبان مسجدی‌ها

بزرگداشت عالمان مسجدی

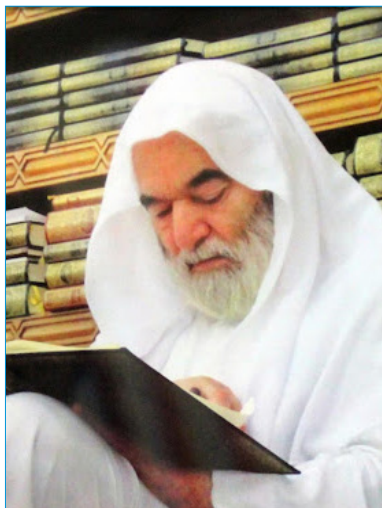
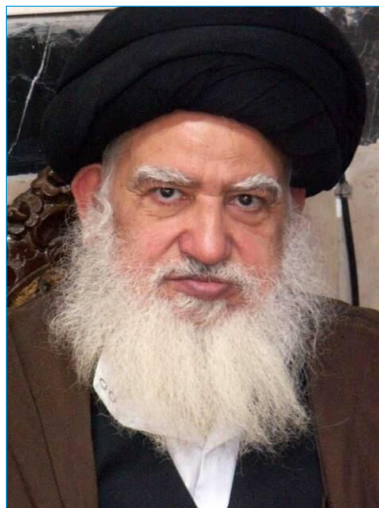
امیر مؤمنی

رفته، داریم؟! آن چنان که به نظر می‌رسد، شأن عالم در مجامع عمومی به‌عنوان شخصی که قلم و جوهر او از خون پاک و مطهر شهید نیز والاتر است، تکریم نشده است؛ اما نکته قابل توجه و شایسته تذکر این‌که محل رشد اهل علم و مکان ارشاد آنها، مسجد است. با نگاهی به تاریخ زیست علمای بزرگ و برجسته اسلام و سرگذشت پارسایان و دانایان ایران اسلامی، همه آنها را در مسجدی می‌بینیم که مرکز تولید فکر و گسترش عقلانیت و معنویت دینی بوده است.

پیش از آنکه به مثال‌هایی در این مورد بپردازیم و البته از تکریم، اهمیت آن و پیشنهادهایی برای تکریم علمای بزرگوار سخن بگوییم، نکاتی چند را از بیانات رهبری انقلاب در این باب بازخوانی می‌کنیم. رهبری در مهرماه ۱۳۹۸، در پیامی که خطاب به حاضران در نوزدهمین اجلاس سراسری نماز صادر می‌کنند، در ذیل یادآوری ۳۴ کارکرد مساجد که پیش از آن تبیین کرده‌اند، یادآور می‌شوند که علما

حداقل می‌توان میان مسجدی‌ها مطمئن بود که بیش از نیمی از آنها، شنیده‌اند که: «مداؤ العلماء أفضل من دماء الشهداء» و می‌دانند که علم عالم اگر برتر از خون شهید نباشد، حداقل همسنگ با آن است. البته خالی از دانش نیست اگر ترجمه فارسی عبارت کامل و صحیح‌تر این روایت را که از قول امام صادق (علیه السلام) در کتاب محترم «سفینه البحار» از شیخ عباس قمی نقل شده است، مرور کنیم: وقتی قیامت برپا شود، خداوند عزوجل مردم را در زمین و سطحی واحد جمع کرده و ترازوها را قرار می‌دهد و خون‌های شهدا با مُرکب علما سنجیده می‌شود و مُرکب علما بر خون‌های شهدا ترجیح پیدا می‌کند. اگر فقط از همین چند جمله بالا آگاهی داشته باشیم، بر ما لازم است تا نگاهی دوباره به شأن علم و عالم در سیره زندگی روزمره خودمان بیندازیم. آیا نگاه ما نیز الهی و خداگونه است؟! آیا فارغ از قیاس با خون و جایگاه شهدا، ما نگاهی هم‌رتبه با شهیدان به علمای در قید حیات و به رحمت الهی

با نگاهی به تاریخ زیست علمای بزرگ و برجسته اسلام و سرگذشت پارسایان و دانایان ایران اسلامی، همه آنها را در مسجدی می‌بینیم که مرکز تولید فکر و گسترش عقلانیت و معنویت دینی بوده است



نسبت به مساجد حساسیت بورزند. چند سال بعد نیز در پیامی دیگر، مساجد را نسبت به تکریم علما ترغیب می‌کنند. این رابطه رفت و برگشتی میان عالم و مسجد را نیز از صدر اسلام می‌دانند. این تذکر دوسویه رهبر داناتی را از انقلاب اسلامی، نشان از اهمیت و ویژه بودن این امر دارد.

اما چرا باید به تکریم علما بپردازیم؟! اهمیت آن از چه چیز نشئت می‌گیرد؟! به نظر می‌رسد پاسخ چرایی اهمیت بزرگداشت دانشمندان دین، نیاز به توضیح برای مخاطب اهل فضل نداشته باشد؛ اما به شکل کوتاه فقط همین نکته بیان می‌شود. برای لحظه‌ای وقایع تاریخی بزرگ اسلام را بدون حضور عالمان متصور شوید. آری... تبیین خون سیدالشهدا (علیه السلام) با آن عظمت و کرامت بر دوش عالمان آگاه و توفیق‌مند بود. عصر غیبت امام دوازدهم را بدون این علما می‌توان تصور کرد؟! حال که از اهمیت نقش و شخصیت علما آگاهی نسبی داریم، بر ما واجب است تا مساجدمان را به

زیور حضور علمای حاضر و بزرگداشت علمای غایب بیاراییم؛ چنان‌که هیئت امنای مساجد بسیاری در جهان اسلام و ایران عزیز، بزرگداشت‌های ویژه‌ای برای علمای مسجدی خود در نظر داشته و دارند. از جمله این بزرگداشت‌ها، در مساجد کشورهای نظیر مالی، مالزی، اندونزی، نیجریه و کنگو و همچنین شهرهایی نظیر اصفهان و مسجد شیخ لطف‌الله اتفاق افتاده است.

نمونه آن در شهر تهران نیز کم نبوده است که در برخی از موارد بزرگداشت‌هایی برای آنها گرفته شده است.

مرحوم آیت‌الله سید محمد حسین میرسجادی، فرزند مرحوم آیت‌الله سیدمیر بادکوبه‌ای، در سال ۱۳۱۷ در نجف اشرف متولد شد و از سن ۱۳ سالگی مشغول به تحصیل در حوزه علمیه شد. وی از درس آیت‌الله خوبی بهره‌مند شد و از مرحوم سیدمحمود شاهرودی و آیت‌الله شیخ باقر زنجانی اجازه اجتهاد گرفت. ایشان بعد از ورود به ایران با استخاره شهر

تکریم و بزرگداشت
علما - چه در زمان
حیات و چه پس
از رحلت ایشان -
می‌تواند اثر مفید
این دانشمندان
فرزانه را در میان
اقشار مختلف
جامعه، پررنگ‌تر و
بیشتر کند



- چه در زمان حیات و چه پس از رحلت ایشان - می‌تواند اثر مفید این دانشمندان فرزانه را در میان اقشار مختلف جامعه، پررنگ‌تر و بیشتر کند. احترام به مقام علما و علم، تسهیل و تبلیغ برگزاری کلاس‌های علمی و غیرعلمی ایشان، برپایی جلسات بزرگداشت، دعوت از علما برای حضور مستمر در مساجد مختلف، برجسته‌سازی نقش علم و عالم در نگاه جوانان و نوجوانان می‌تواند از شیوه‌های بزرگداشت عالمان در مساجد باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود مجموعه مستند تلویزیونی «حدیث سرو» را که به زیست علمای دینی اختصاص داشت، در برنامه مشاهده قرار داد تا با ابعاد ناشناخته عالمان روبه‌رو شویم و آگاه باشیم که زیست یک عالم فقط آن چیزی نیست که در عیان دیده می‌شود و خستگی‌ها و نستهوی‌های خفیه ایشان را نیز مورد توجه قرار دهیم. شاید پس از آن بتوانیم شاهد هزاران هزار حدیث سرو از زبان مسجدی‌ها باشیم؛ ان شاء الله ♦

تهران را برای سکونت انتخاب کرد. این عالم بزرگ در سال ۱۳۹۹ دعوت حق را لبیک گفت. مرحوم آیت‌الله سید محمد ضیاء‌آبادی هم که در بهمن‌ماه ۱۳۹۹ بر سر سفره حق تعالی مهمان شدند، از علمای اخلاقی بودند که در مسجد حضرت علی‌بن‌حسین (در بند) به اقامه نماز و تدریس مشغول بودند که مسجدی‌ها و کارگزاران آن مسجد نیز به شکل ویژه‌ای به بزرگداشت ایشان مبادرت می‌ورزند. از علمای بزرگ دیگری که در سال‌های اخیر به رحمت خدا رفتند و یاد آنها در دل اهالی تهران ماندگار شد می‌توان به نام آیت‌الله خوشوقت، آقا مجتبی‌تهرانی و آیت‌الله مجتهدی اشاره کرد. علمای بنام و مشهور دیگری نیز در تمام ایران اسلامی عزیز هستند که مساجد با نام آنها شناخته می‌شود و جذب جوانان و اهل فضل به این مساجد را باید در زمره ویژگی‌های شخصیتی ایشان ذکر کرد. البته که تکریم و بزرگداشت علما

۱۱
حال که از اهمیت نقش و شخصیت علما آگاهی نسبی داریم، بر ما واجب است تا مساجدمان را به زیور حضور علمای حاضر و بزرگداشت علمای غایب بیاراییم

شفافیت مالی و مدیریت اقتصادی مسجد

علی سعیدیان



«حفظ قداست
مساجد» و برقراری
«سلامت و امنیت
محیطی و دور
ماندن مسجد
از منازعات و
مناقشات داخلی»،
یکی از محورهای
اصلی مأموریتی
است

«مدیریت در مسجد»، با حفظ بنیه مردمی، از جمله امور مهم و حساسی است که با وجود پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های مترتب بر آن، به‌شایستگی از سوی علما، فضلا و ائمه معزز جماعات پرچم‌داری می‌شود.

درعین حال تلاش و مجاهدت فرهنگی امام جماعت و خدمات خالصانه و تبری کارگزاران مسجد، به‌ویژه هیئت امنای مکرم، نافی مسئولیت‌های مدنی و قانونی ساری و جاری در این عرصه نیست و نظم و اتقان در برنامه‌ها و فعالیت‌های مسجد، علاوه بر اینکه اساساً مورد تأکید شرع مقدس می‌باشد، حداقل در حوزه مالی، مورد مطالبه مؤمنان و نمازگزاران نیز هست.

این مطالب که در اغلب موارد بنا بر ملاحظاتی آشکار و اظهار نمی‌شود، هم در مساجد برخوردار از رزقبات و درآمد بالا و هم در مساجدی که صرفاً بر کمک‌های مختصر مردمی متکی است، در صورتی که جدی گرفته نشود و بستر مهیا و کارآمدی برای ثبت و ضبط و ارائه گزارش‌های سالیانه یا فصلی به نمازگزاران و شفاف‌سازی گردش مالی مسجد تدارک دیده نشود، در چهار جلوه‌گاه،

ظهور و بروز خواهد یافت:

۱ در کوران اختلافات و تضارب سلايق مؤمنان، که مساجد همواره در معرض آن قرار دارند، ابهامات مالی موجبات تشدید کدورت‌ها و بدگمانی‌ها را فراهم می‌آورد.

۲ آنگاه که فرصت‌طلبان و بیماردلان، با انگیزه‌های متنوع و معلوم، قصد ایجاد فتنه و شبهه‌افکنی برای برهم زدن آرامش مسجد می‌نمایند، ابهامات مالی، بهترین مستمسک برای ایشان و گاهی تنها نقطه آسیب‌پذیر تلقی می‌گردد.

۳ خانه خدا، امانتی گران‌سنگ در اختیار امام جماعت و اماناست و فرض سیال و تغییرپذیر بودن هریک از کارگزاران به دلایل مختلف از اقتضائات طبیعی این فضای مردمی تلقی می‌گردد. در چنین مقاطعی، تحویل اموال و دارایی‌های منقول و غیرمنقول مسجد و همچنین سوابق مالی از ضروریات و ضامن صیانت از عزت و آبروی مؤمنان محسوب می‌شود.

۴ کاهش تدریجی میزان مشارکت مردم در حمایت، پشتیبانی، عمران و آبادانی مسجد که به تدریج دامنه آن به بی‌توجهی و حضور کم‌رنگ‌تر



تلاش و مجاهدت
فرهنگی امام
جماعت و خدمات
خالصانه و تبرعی
کارگزاران مسجد،
به ویژه هیئت امنای
مکرم، نافی
مسئولیت‌های
مدنی و قانونی
سازی و جاری در
این عرصه نیست

... نسبت به اموال و دارایی‌های متعلق به مسجد
امین محسوب شده‌اند. امنای محترم باید وفق
ماده ۷ آیین‌نامه نحوه انتخاب و برکناری، شرایط و
حدود اختیارات و وظایف امین یا هیئت امنای اماکن
مذهبی و موقوفات مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰ هیئت
محترم وزیران، به قرار زیر عمل نمایند:
الف) مراقبت کامل در حفظ مورد امانت؛
ب) نگهداری اموال منقول و ثبت آنها با مشخصات
کامل در دفاتر مربوطه؛
پ) انجام تعمیرات لازم اماکن مذهبی و رسیدگی
مرتب به وضع آنها؛
ت) نوسازی و احداث تأسیسات عمومی برای تأمین
رفاه مراجعه‌کنندگان و ساکنان ناحیه؛
ث) تهیه طرح و برنامه‌های عمرانی و اتخاذ طرقی که
مؤثر در پیشرفت کارهای اماکن مذهبی می‌باشد؛
ج) طرح دعوی و دفاع از حقوق اماکن مذهبی و
تعقیب دعوی مطروحه له و علیه آنها و در صورت
لزوم انتخاب وکیل برای انجام امور مذکوره؛
چ) جمع‌آوری درآمد و نذور تقدی و جنسی و
نگهداری وجوه اماکن مذکور در حساب مخصوص
در یکی از بانک‌ها♦

در برنامه‌ها نیز کشیده می‌شود.

بر اساس آنچه بیان شد و با عنایت به اینکه
«حفظ قداست مساجد» و برقراری «سلامت و
امنیت محیطی و دور ماندن مسجد از منازعات
و مناقشات داخلی»، یکی از محورهای اصلی
مأموریتی است که رهبر فرزانه انقلاب (دامت برکاته)
در فرمان تأسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد،
به‌صراحت مورد اشاره قرار داده‌اند. با ملاحظه
میزان شیوع مشکلات ناشی از فقدان نظام جامع
حقوقی منعطف و بومی شده با مقتضیات و نیاز
مسجد، ضرورت انطباق رابطه حقوقی فی مابین
کارگزاران مسجد با اشخاص حقیقی و حقوقی،
نحوه انعقاد قرارداد اجاره موقوفات و رقبات مطابق
با قوانین و مقررات نظام مقدس جمهوری اسلامی
ایران، لزوم ارتقای سطح دانش حقوقی کارگزاران
مسجد، و نداشتن الگوی مشخص برای اقدامات و
تدابیر مسئولان محترم مالی مساجد که در مواردی،
منجر به درگیری‌های حقوقی و قضایی یا لطمات
شخصیتی و حیثیتی برای ائمه محترم جماعات و
سایر فعالان مسجد شده است؛ لذا کلیه کارگزاران
محترم مساجد اعم از ائمه جماعات، امنا، خدام و

که خواجه خود روش بنده‌پرووری

داند

تکریم و عنایت اهل بیت (علیهم‌السلام) به
شیفتگان خود

امیر هادیان

تشویق برای یکی و تنبیه برای همه، یگانه اصل اساسی تربیت در دوران تحصیل ما بود که به‌ظاهر از بین یادگان‌های نظامی به آموزش و پرورش نفوذ کرده بود. شاید همین جمله و اجرای آن در زمان ما باعث شد تا امروزه شاهد جامعه‌ای باشیم که بیشتر به‌جای تقدیر از افراد و بیان شایستگی‌ها، در پی نقادی و مرور ضعف‌هاست.

آموزه‌های دینی تکریم و گرامی‌داشت در خصوص هر کار نیکویی را تذکر داده و بسیاری از علمای دین آن را مطابق رهنمودهای عقل هم می‌دانند. در منابع روایی ما بر تقدیر از عالم، مؤذن، مجاهد در راه خدا، مرزداران کشور اسلامی و بسیاری دیگر از صاحبان حرفه‌ها تأکید شده است.

در سیره حضرات معصومین (علیهم‌السلام) تجلیل از برخی افراد نه به خاطر خود او، بلکه به‌دلیل صنفی که



پرونده ویژه

مانسی حسینا



هادی پیرمحمدی

سعادت ابدی، ثمره مقاومت همیشگی

صفحه ۴۴



مهدی رزاقی طالقانی

طهران در محرم

صفحه ۵۳

من الغریب الی الغریب

زهرا نصیری

من الحبیب الی الغریب

صفحه ۶۳



د

در سیره حضرات
معصومین علیهم السلام
تجلیل از برخی
افراد نه به خاطر
خود او، بلکه
به دلیل صنفی
که در آن فعالیت
می کنند، به چشم
می خورد

در زمان حاضر که دوران غیبت امام معصوم به شمار می رود، عنایات اهل بیت علیهم السلام به جلوه های گوناگون برای افراد مختلفی از جامعه نمایان شده و هیچ گاه نظر لطف ایشان به دوستان خود قطع نگردیده است. یکی از این جلوه ها توجه و عنایت در عالم رویا برای دوستان و اولیاست؛ آنها که نهاد خود را از هرگونه غل و غش خالی نموده و عاشقانه دل به محبوب های حضرت حق سپرده اند و گاهی چشمه ای از کرامت خاندان نبوت علیهم السلام برایشان جاری شده است. رؤیای صادقه که در قرآن هم به آن اشاره شده و به تعبیر برخی روایات شاخه ای از نبوت است، منحصر در انبیا و ائمه نبوده و مؤمنان هم امکان دریافت بشارت هایی در عالم رؤیا دارند.^۳ حتی گاهی از این طریق خداوند متعال مسیر هدایت را برای غیرمؤمنان نیز فراهم می نماید؛ مانند داستان

در آن فعالیت می کنند، به چشم می خورد. امام حسین علیه السلام پس از اعطای هزار دینار و هزار خُله در حرکتی نمادین، دهان معلمی را که به یکی از فرزندان تنها و تنها سوره حمد را آموزش داده بود، پراز در و گوهر می نمایند.^۱ نمونه های فراوانی از این نوع اعمال در زندگی خاندان وحی موجود است؛ اما این قدرانی و سپاسگزاری از مرثیه سرایان و مداحان مصائب اهل بیت علیهم السلام، نمود بیشتر و پررنگتری دارد. امام رضا علیه السلام پس از آنکه دعبل خزایی قصیده ای برای حضرت خواند، صد دینار به همراه یکی از لباس های خودشان را به او اعطا نمودند.^۲ همین مرثیه سرایان و مداحان با استفاده از هنر خود، مضامین عالی دینی به ویژه ذکر غم و رنج رشد دهنده اهل بیت علیهم السلام را در دل تاریخ زنده نگاه داشته و به نسل های امروزی منتقل کرده اند.

دوزندانی همراه حضرت یوسف علیه السلام یا پادشاه مصر که حضرت یوسف علیه السلام به واسطه تعبیر خوابشان، همه آنها را هدایت نمود.

اگر چه نمی توان رؤیا را حجت شرعی قلمداد کرد، اما آثار و پیامدهای آن را می توان مورد توجه قرار داد و درس هایی از آن برای شناخت بهتر محبت خداوند به بندگان گرفت و عملکرد خود را در جلب رضایت پروردگار بر این اساس تقویت کرد.

حاج غلامرضا سازگار (میثم) عمری را بر سر خوان اهل بیت علیهم السلام گذراند و از برترین شاعران و مداحان حضرات آل الله به شمار می رود. توفیق ایشان در سرودن اشعار پرمحتوا و غنی، در طراز بالایی از ادب فارسی، نور امیدی در دل شاعران جوان افروخته که اگر شکرگزار باشند، روزی بیشتری نصیبشان خواهد شد.

این خادم آستان خاندان پیامبر، عنایت اهل بیت علیهم السلام به یکی از شاعران را که رفاقتی دیرینه با وی داشته

است، چنین بیان می کند:

رفیقی به نام آقای افشار داشتم که در طول ۲۵ سال دوبار این داستان را برای من نقل کرد. آقای افشار می گفت: زمانی که جوان بودم، به دلیل عارضه ای پایم عفونت کرد و به بیمارستان مراجعه کردم. پس از بستری و آزمایش های فراوان که هفتاد روز به طول انجامید، یک روز جمعی از پزشکان وارد اتاق من شدند و به زبان انگلیسی با یکدیگر گفتگو کرده و از اتاق خارج شدند. هم تختی من در بیمارستان پس از رفتن آنها گفت: آقای افشار! تیم پزشکی به این نتیجه رسیده که حتماً پای شما را قطع کند. اگر کاری از دستان برمی آید، دریغ نکنید.

می گفت منتظر شدم و زمانی که شب فرارسید و من مطمئن شدم که اطرافیانم خواب هستند، با خود گفتم به در خانه حضرت اباعبدالله علیه السلام می روم و از نازدانه حضرت می خواهم که نزد پدر، شفیع من باشد تا خداوند مرا شفا دهد.

با اشعاری که در حافظه داشتم به دختر

رؤبای صادقه که در قرآن هم به آن اشاره شده و به تعبیر برخی روایات شاخه ای از نبوت است، منحصر در انبیا و ائمه نبوده و مؤمنان هم امکان دریافت بشارت هایی در عالم رؤیا دارند



مشغول گریه هستند. صبح فردا که برای آزمایش دوباره رفتیم، در کمال تعجب، پزشکان گفتند که نتیجه آزمایش جدیدتان خبر از بهبودی کامل شما دارد و امروز مرخص هستید.

پس از بخش خبر شفای من در بخش، همه بیماران دوباره در اتاق من جمع شده و از من تقاضا کردند دوباره برایشان روضه بخوانم. پس از خواندن آن اشعار از بیمارستان مرخص شدم.

حاج آقا سازگار از قول مرحوم افشار می گوید:
هفته بعد برای ملاقات هم اتاقی خود به بیمارستان رفتم. پرستاران بخش گفتند: تمام بخش با پذیرش جدید پر شده است. از هفته گذشته که حضرت اباعبدالله علیه السلام به همراه دخترشان به بیمارستان آمدند، همه بیماران بهبود یافته و مرخص شدند ♦

پی نوشت:

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۱.

۲. همان، ج ۴۹، ص ۲۴۰.

۳. ن. ک: همان، ج ۵۸، ص ۱۹۲.

۴. میرزا محمدباقر صامت بروجردی معروف به صامت بروجردی و متخلص به صامت، متوفای ۱۳۳۳ ق.

خردسال امام حسین علیه السلام متوسل شدم و در همان حال که اشعار را زمزمه می کردم، به خواب رفتم. در عالم رؤیا دیدم ناگهان در اتاق من باز شد و حضرت سیدالشهدا علیه السلام به اصرار دخترشان که دست در دست پدر داشت، وارد شدند. امام روبه من فرمودند: «اشعار را دوبار برابم بخوان؛ من این شعرهای صامت^۴ را خیلی دوست دارم». شروع به خواندن اشعار با این مطلع کردم که:

بود در شهر شام از حسین دختری

آسیه فطرتی فاطمه منظری

تالی مریمی ثانی هاجری

عفت کردگار عصمت اکبری

لب چو لعل بدخش، رخ عقیق یمن

حضرت به من فرمودند: «نشسته می خواهی بخوانی؟». عرض کردم: «آقا جان! شما که می دانید از ایستادن ناتوانم». امام فرمود: «وقتی ما می گوییم، توانایی اش را هم به تومی دهیم». ایستادم و شروع کردم به خواندن. ناگهان متوجه شدم که در بیمارستان ایستاده ام و مشغول خواندن مرثیه اهل بیت امام حسین علیه السلام هستم؛ در حالی که هم اتاقی ها و پرستاران نیز دور من حلقه زده و



شما خواننده محترم می توانید با
اسکن کد روبه رو، اصل داستان را با بیان
شیوای حاج غلامرضا سازگار
مشاهده نموده و بشنوید

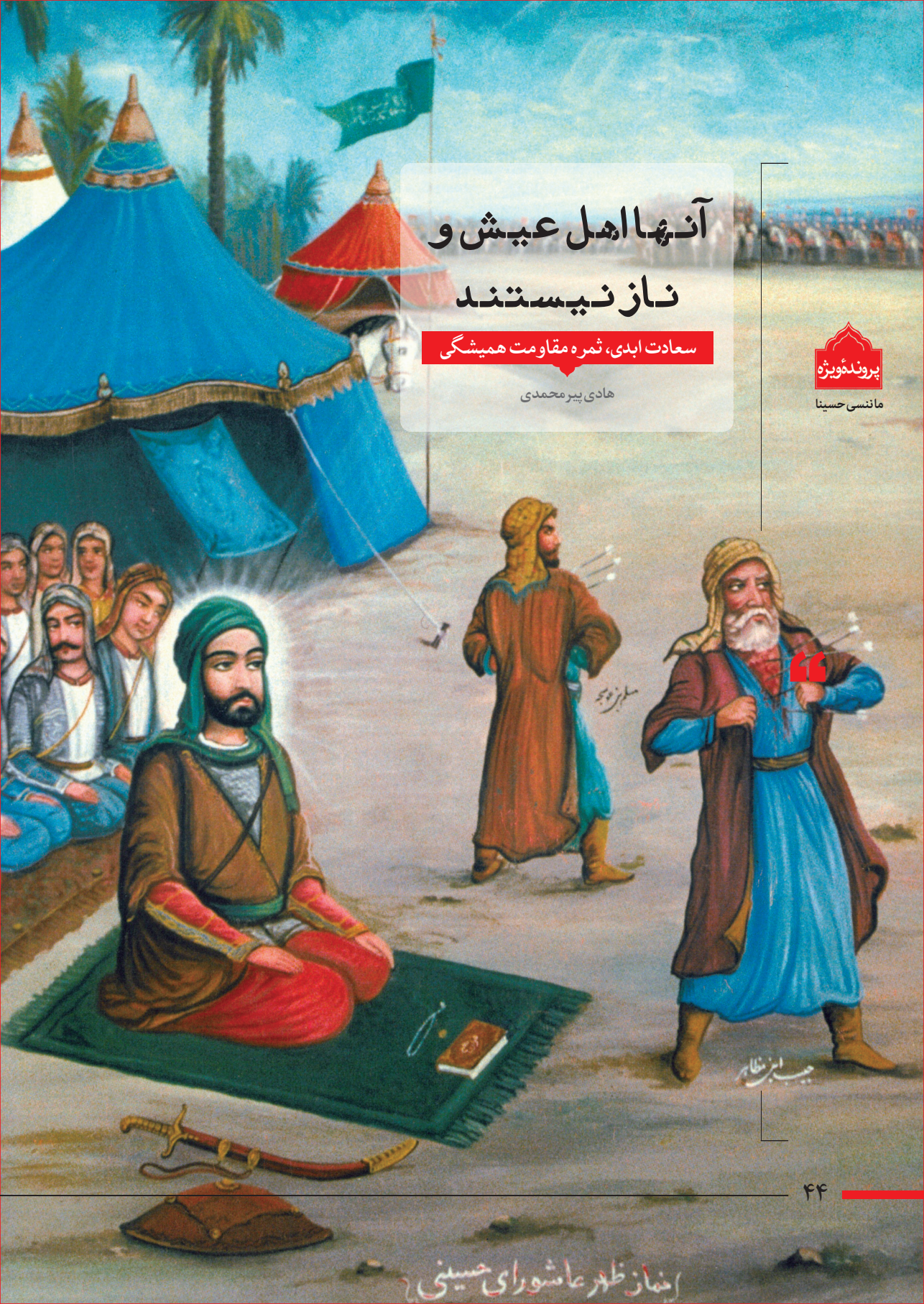
آنها اهل عیش و ناز نیستند

سعادت ابدی، ثمره مقاومت همیشگی

هادی پیرمحمدی

پرونده ویژه

مانسی حسینی



سایزیده

جیب از نظر



کسی که استقامت
نداشته باشد،
روی موفقیت و
سعادت را نخواهد
دید و راز موفقیت،
استقامت است

نیروی عظیم روحی او سر تسلیم فرود می‌آورد. نزد فرد با استقامت هر مانع عظیمی، حقیر است و هر مشکلی آسان. فرد با استقامت حرف نفی از دهانش خارج نمی‌شود. کلمات «نمی‌توانم» و «نمی‌شود» و «ممکن نیست»، در قاموس او یافت نمی‌شود. کارهایی که در نظر دیگران غیرممکن است، در نظر او واقعاً ممکن است و چه بسا با استقامت کارهایی محیرالعقول رقم زند. شاید به عقل مردم عادی راست نیاید که از میان قومی بی تمدن وحشی فاسد الاخلاق، قومی که غارتگری و دزدی در نظرشان افتخار بوده، ملتی که عصبیت، خودخواهی و غرور رواج بازارشان بوده است، یک تن بیرون بیاید که منزه‌ترین و پاک‌ترین فرد بشر باشد و با استقامت بی‌منتهای خود جهان و جهانیان را تکان دهد^۶ و عربی را که کارش بی‌مناگری، دزدی، چپاول و آدم‌کشی بود، به گونه‌ای تربیت کند که نمونه‌ای از تقوا و فداکاری شود.^۷ آری، استقامت از بزرگی روح سرچشمه می‌گیرد و بزرگی روح، ثمره آن خواهد بود؛^۸ تا اندازه‌ای که اولیای الهی نه محزون می‌شوند و نه ترسی به دل راه می‌دهند.^۹

مقدس‌ترین و شایسته‌ترین مورد استقامت، استقامت در ایمان است که هیچ حد و اندازه‌ای نخواهد داشت. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «پایداری مؤمن در حفظ ایمان خود از کوه‌هایی که در زمین ریشه دوانیده، بیشتر و استوارتر است؛ زیرا از کوه تراشیده می‌شود، ولی کسی را توانایی آن نیست که اندکی از دین مؤمن بکاهد».^{۱۰}

در فرازی از زیارت شهدای کربلا منسوب به

بشر به موجب فطرت و سرشت انسانی اش و بر حسب ادراکات عقلی خود، همواره اهداف و آرزوهایی برای آینده خود ترسیم می‌کند و راهی برای رسیدن به آن برمی‌گزیند.^۱ گرچه انسان‌ها آرزوهای متفاوت و مسیرهای مختلفی برای رسیدن به آنها در نظر دارند، اما می‌توان گفت در ادبیات دینی یک مسلمان و منظومه فکری او، هدف «رستگاری» و تنها مسیر «تشخیص و انجام وظیفه دینی» است. رستگاری میوه‌ای است که در پایان حیات دنیایی بشر چیده می‌شود و تا نفس باقی است، راه باقی است؛ راهی که همیشه هموار نخواهد بود و چه بسا فراز و نشیب‌ها و سنگلاخ‌هایی پیش روی این مسیر باشد. این مسیر که به درازای عمر آدمی در این دنیاست، استقامت می‌طلبد. کسی که استقامت نداشته باشد، روی موفقیت و سعادت را نخواهد دید و راز موفقیت، استقامت است.^۲ امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «نجات و سلامتی همیشه همراه با استقامت است».^۳ استقامت در راه حق خود تربیت‌کننده است؛ به گونه‌ای که فرد در مقابل فشارها و سختی‌ها پایداری و بر موانع بزرگ چیره می‌شود. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

«درختی که در بیابان خشک و سوزان پرورش یافته باشد، چوبش محکم‌تر است؛ ولی گل‌هایی که زبردست باغبان در گلزارها و بوستان‌ها پرورش یافته باشد، بسیار رقیق و ناتوان خواهند بود...».^۴

آری استقامت، استقامت می‌آورد و فرد را قوی‌دل و بالاراده می‌سازد؛^۵ به گونه‌ای که همگان در برابر



فرد با استقامت
حرف نفی از
دهانش خارج
نمی‌شود. کلمات
«نمی‌توانم» و
«نمی‌شود» و
«ممکن نیست»،
در قاموس او یافت
نمی‌شود

ناحیه مقدسه،^{۱۱} حماسه، ایثار و استقامت سعیدبن عبدالله، مورد تحسین و تقدیر قرار گرفته است. سعیدبن عبدالله از آخرین فرستادگان مردم کوفه برای دعوت از امام حسین (علیه السلام) بود که عازم مکه شد.^{۱۲} امام (علیه السلام) نیز پاسخ نامه کوفیان را به وسیله سعیدبن عبدالله ارسال داشت.^{۱۳} با ورود مسلم‌بن عقیل به کوفه، سعید حمایت کامل و بی دریغ خود را از مسلم ابراز داشت^{۱۴} و در مأموریتی نامه مسلم را به محضر امام حسین (علیه السلام) آورد و از آن پس پیوسته در خدمت امام (علیه السلام) بود.^{۱۵} می‌توان گفت چندین ماه، این مرد بزرگ و انقلابی، به عشق مولایش در دشت و بیابان در رفت‌وآمد بود؛ اما این پایان مقاومت او نبود. شب عاشورا، هنگامی که امام حسین (علیه السلام) به همراهانش اجازه بازگشت داد، سعید با گفتاری حماسی و شورانگیز وفاداری خود را این‌گونه ابراز داشت:

«به خدا سوگند تو را وانگذاریم تا خدا بداند که مادر غیاب پیامبرش، حق و حرمت او را دربارہ تو پاس داشته‌ایم. سوگند به خدا، اگر بدانم که کشته می‌شوم، سپس زنده می‌شوم و نگاه سوزانده شده و خاکستر بر باد می‌رود و هفتاد بار با من چنین می‌شود، از تو جدا نگردم تا پیش‌روی تو مرگ را دیدار کنم؛ و چگونه چنین نکنم؟ با اینکه این یک کشته شدن است و در پی آن کرامتی است که هرگز پایان نپذیرد».^{۱۶}

ظہر عاشورا سعید به اتفاق زُہیر بن قَین، پیشاپیش امام (علیه السلام) ایستاد و با صورت، سینه، پهلوها و دست‌هایش، از اصابت تیرها به امام (علیه السلام) جلوگیری

کرد^{۱۷} و جان خویش را سپر کرد تا آن حضرت و جمعی از اصحاب نماز خوف را به جماعت خواندند. بعد از اقامه نماز، سعید با سیزده چوبه تیر بر بدنش، بر زمین افتاد.^{۱۸} با این حال او در آخرین لحظات چشم خود را باز کرد و خطاب به امام (علیه السلام) گفت: «اوفیتُ یابن رسول الله؛ ای فرزند رسول خدا، آیا وفا کردم؟». امام پاسخ دادند: «نعم انت امامی فی الجنة؛ آری، تو در بهشت پیشاپیش من قرار داری».^{۱۹}

همین اکسیر استقامت عاشورایی بود که امام خمینی (علیه السلام) را - به فرموده مقام معظم رهبری - در هیئت یک مکتب، یک اندیشه، یک تفکر، یک راه، برای همیشه تاریخ مطرح کرد.^{۲۰} به پشتوانه این استقامت و تلاش خستگی ناپذیر، سردار سلیمانی‌ها مدال شهادت و رستگاری را به گردن آویختند.

مقام معظم رهبری در پیام تسلیت

خود فرمودند: «سال‌ها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدان‌های مبارزه با شیاطین و اشرار عالم و سال‌ها آرزوی شهادت در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز

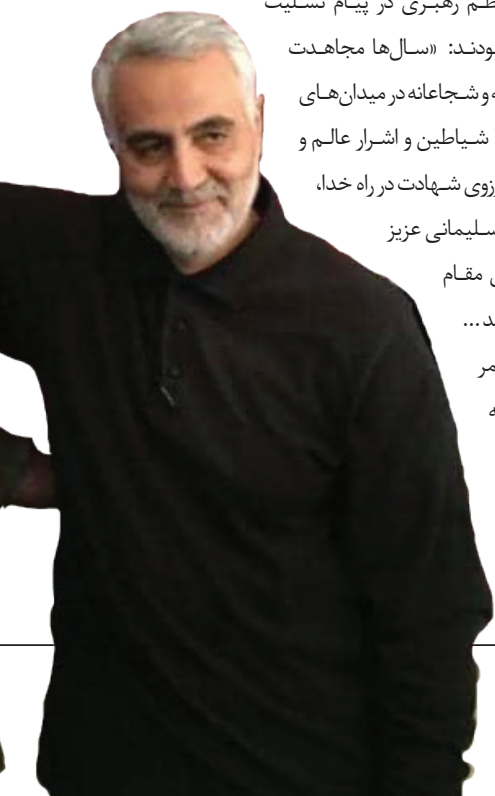
را به این مقام والا رسانید...

او همه عمر

خود را به

جهاد در

راه خدا





همین اکسیر

استقامت

عاشورایی بود که

امام خمینی علیه السلام

را به فرموده مقام

معظم رهبری - در

هیئت یک مکتب،

یک اندیشه، یک

تفکر، یک راه،

برای همیشه تاریخ

مطرح کرد

الأثور، ج ۷۸، ص ۱۷۲، حدیث ۱۱.

۴. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۵. «فَأَصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أَوْلُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ؛ پس همان گونه که

پیامبران نستوه صبر کردند، صبر کن»، احقاف: ۳۵.

۶. «فَلِذَلِكَ فَادَعُ وَاُسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتُ؛ بنابراین به دعوت پرداز و

همان گونه که مأموری ایستادگی کن»، شوری: ۱۵.

۷. سید رضاصدر، استقامت، ص ۴۷.

۸. همان، ص ۴۹.

۹. «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

يُخْزَوْنَ؛ محققاً کسانی که گفتند پروردگار ما خداست، سپس

ایستادگی کردند، بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند

شد»، احقاف: ۱۳.

۱۰. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار ج ۶۴، ص ۲۹۹.

۱۱. سیدابن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳،

ص ۷۷.

۱۲. شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۹۳۸.

۱۳. همان.

۱۴. طبری، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۳۵۵.

۱۵. محمد بن طاهر سماوی، ابصار العین، ج ۱، ص ۲۱۷.

۱۶. سیدابن طاووس، الملهموف، ج ۱، ص ۱۵۳.

۱۷. سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۲۴۱.

۱۸. همان.

۱۹. تستری، قاموس الرجال، ج ۵، ص ۱۰۸.

۲۰. بیانات معظم له در مراسم سی امین سالگرد رحلت امام

خمینی علیه السلام، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴.

۲۱. پیام تسلیت رهبر انقلاب به مناسبت شهادت سردار

سلیمانی، ۱۳۹۸/۱۰/۱۳.

۲۲. خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۰/۰۳/۱۷.

گذرانید. شهادت پاداش تلاش بی وقفه او در همه

این سالیان بود». ^{۲۱} روحیه ای والا که در سربازان

و هم‌زمان سردار سلیمانی نیز ریشه دواند. در

شرایطی که نابودی داعش اعلام شده و جنگ

رودررو پایان یافته است، پس از آنکه سردار دل‌ها

مدال شهادت را به گردن آویخته است، می بینیم

سربازانی خستگی ناپذیر همچون حسن عبدالله زاده

میدان جهاد را رها نکردند و آنگاه که تعدادی

از داعشی‌های پراکنده شده، منطقه «بادیه» در

سوریه را ناامن می کنند و مردم مظلوم را هدف

تیر قرار می دهند، پاسدار حسن عبدالله زاده عازم

منطقه می شود تا ضمن شناسایی، آن منطقه را

پاکسازی کند که در عصر روز ۱۳ خردادماه ۱۴۰۰

در مسیر حرکتش با کمین نیروهای داعش

مواجه می شود و با اصابت موشک به فیض

شهادت نائل می شود. ^{۲۲}

پی نوشت:

۱. سید رضاصدر، استقامت، ص ۳۵.

۲. همان، ص ۴۴.

۳. «السلامة مع

الاستقامة».

بحر



معرفی کتاب سقای آب و ادب



زمانی که صحبت از نام عباس (ع) می‌شود دهان بسته و زبان ناتوان از توصیف فضائل این بزرگ‌مرد تاریخ است. قمر منیری که در کنار تابش نور خورشید وجود سیدالشهدا جمال دوست‌داران اهل بیت (ع) را روشن می‌کند، زندگی سقای کربلا در زبان و گفتار بسیاری از اهل قلم و علم به نوشتار درآمده است. یکی از کتاب‌هایی که با لطافت و قلم شیوا به بازخوانی زندگی قمر بنی هاشم (ع) پرداخته است کتاب ارزشمند «سقای آب و ادب» است. این کتاب به قلم سید مهدی شجاعی نویسنده خوش ذوق معاصر تألیف شده است. این اثر مانند دیگر کتاب‌های این نویسنده توانسته است با قلم زیبای خود توجه مخاطبین را به خود جلب کند. این کتاب که در ژانری داستانی تألیف شده به خوبی توانسته است نقش حضرت ابا الفضل (ع) را در کمال منطق و احساس به تصویر بکشد.

«سقای آب و ادب» در ده فصل تنظیم شده است که هر فصل بخشی از شخصیت سقای کربلا را

در ارتباط با حضرت علی (ع)، صدیقه کبری (ع)، حضرت ام البنین (ع)، امام حسین (ع)، حضرت زینب (ع) و حضرت سکینه (ع) به تصویر کشیده است. هر کدام از نام‌های ذکر شده، عنوانی است برای فصل‌های این کتاب. در کنار آنها سه فصل دیگر نیز با نام‌های عباس مواسات، عباس ادب و عباس فرشتگان به رشته تحریر درآمده است. نویسنده تأکید می‌کند که هر فصل کتاب با دقت و بر اساس مستندات تاریخی تألیف شده است و می‌افزاید که قسمت اعظم اثر، موثق بوده ولی قسمت‌هایی از این کتاب نیز حاوی ذوق و هنر نویسنده و ارادت خاص وی به این شخصیت بی‌نظیر اسلام است. این بخش صرفاً نظرات شخصی جهت تلطیف ادبی و ستایش حضرت عباس (ع) است. ♦



پیش شماره ۶
تابستان ۱۴۰۰

برکت کرونا!

زوایای پنهان فرصت‌های کرونایی

مسعود سهرابی

افتاد، این بود که هرروز تعدادی از دانش‌آموزان کلاس‌های مختلف به من می‌گفتند: «آقا اجازه! همیشه حاج‌آقا صادقی بازم بیاد کلاس ما؟». فرصت ایام تبلیغی محدود بود و کرونا هم مزید بر علت شد تا دیگر نتوانیم در خدمت ایشان باشیم.

کرونا مهمان ناخوانده و نامحبوب زندگی‌ها شد. حالا همه چیز تحت تأثیر کرونا تغییر کرده بود. از سبک زندگی مردم تا تعطیلی‌های مختلف مراکز اقتصادی و فرهنگی و تفریحی؛ حتی بزرگ‌ترین مراسم و گردهمایی ایرانی‌های مسلمان، یعنی عزاداری ایام محرم نیز از راه نرسیده تحت تأثیر بود. با صدور دستورالعمل‌های برگزاری مراسم در محرم و تلاش مسجدی‌ها برای رعایت آن در بالاترین سطح، هیئت‌انامی مسجدمان برای طرح‌های مختلف برگزاری مراسم جلسه گذاشت. قرار شد بخشی از فعالیت‌ها و برنامه‌های مسجد در فضای مجازی انجام شود. با همین مصوبه، جرقه‌ای در ذهن من زد. با کسب اجازه از امام جماعت،

زندگی عادی بود. مغازه‌دارها با بسم‌الله کرکره را بالا می‌دادند، سرویس‌های مدارس مشغول سوار کردن دانش‌آموزان بودند و در خیابان هم هرکسی که به سمت محل کار می‌رفت، نه ماسک داشت و نه اسپری ضدعفونی‌کننده. به مدرسه رفتم و از پنجره دیدم، هم‌زمان با معلم‌ها دو نفر روحانی در دفتر نشستند. وارد دفتر که شدم، حاج‌آقای بابایی را که از قبل می‌شناختم و به‌نوعی در اداره آموزش و پرورش منطقه همکار مان بود، به همراه یک روحانی جوان که نمی‌شناختمش، برخاستند و با هم احوال‌پرسی کردیم. ایام فاطمیه و دهه فجر بود و آن طلبه جوان برای تبلیغ دانش‌آموزی از قم به مدرسه آمده بود. به توصیه حاج‌آقا قرار شد طی یک هفته، همه کلاس‌ها حداقل یک‌بار با آقای صادقی - همان طلبه جوان - کلاس کامل داشته باشند. با اعتمادی که به آقای بابایی داشتم، برنامه‌ریزی کردم و طی چهار روز هفته حاج‌آقا صادقی به همه کلاس‌ها سر زد. نکته جالبی که طی روزهای آن هفته اتفاق



با کسب اجازه
از امام جماعت،
شماره حاج‌آقا
صادقی را گرفتم
و توضیح دادم
که ما در فضای
مجازی سؤالات
را جمع‌آوری
می‌کنیم و
پرتکرارترین
آنها را برای شما
می‌فرستیم



شماره حاج آقا صادقی را گرفتیم و توضیح دادم که ما در فضای مجازی سؤالات را جمع‌آوری می‌کنیم و پرتکرارترین آنها را برای شما می‌فرستیم، شما هم به صورت متن یا صوت یا حتی تصویر کم‌حجم و در زمان اندک به سؤال‌ها پاسخ دهید.

هم اعضا از این پیشنهاد استقبال کردند و هم امام جماعت که می‌گفت: «حالا من تمرکز بیشتری برای بقیه کارهای مسجد، از جمله منبر هر شب دارم».

با چاپ یک پوستر و نصب آن روی دیوار مسجد، آدرس فضای مجازی‌مان را به اطلاع نمازگزاران رساندیم. قبل از محرم فقط در یکی از صفحات مسجد، ۴۵۰ نفر عضو شدند و سؤالات زیادی برابمان ارسال شد.

با کمک جوان‌ترها که در امور مربوط به فضای مجازی پیرتر از ما بودند، سؤالات دسته‌بندی شده را برای حاج آقا صادقی ارسال کردیم. شب اول محرم ایشان سؤالات مربوط به هزینه‌های عزاداری و زیارت و پذیرایی از عزاداران را پاسخ دادند و آنها را منتشر کردیم.

سؤال اول: آیا ائمه اطهار علیهم‌السلام هم مجالس عزاداری برگزار می‌نمودند و مهم‌تر آنکه آیا در این مجالس برای جنبه‌های مختلف آن هزینه هم می‌کردند؟

پاسخ: یک قانون کلی قرآنی را در نظر داشته باشید: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»؛^۱ یعنی «هر کس شعائر (دین) خدا را بزرگ و محترم دارد، این از صفت دل‌های باتقواست». وقتی قرآن یک مکان یعنی صفا و مروه^۲ و یک

موجود جاندار یعنی شتران قربانی در حج^۳ را جزو شعائر الهی برشمرد، بر اساس آموزه‌های دینی ما حتماً اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام و هر آنچه به ایشان منتسب است، جزو شعائر الهی محسوب می‌شود؛ پس باید آنها را بزرگ و محترم داشت. تعظیم شعائر هم حتماً هزینه مالی در بردارد؛ همان‌طور که خرید شتر برای قربانی یا تجهیز صفا و مروه برای حاجیان در هر زمان، متناسب با شرایط آن عصر، شامل هزینه‌های مالی است.

پس هزینه کردن برای هر جنبه‌ای از مراسم عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام که در راستای احترام و بزرگداشت ایشان باشد، شامل این قانون کلی و دستور قرآنی است.

علاوه بر این در سیره ائمه علیهم‌السلام نیز مراسم بزرگداشت یاد و نام اجدادشان و در برخی موارد خودشان، برگزار شده است. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

۱ امام سجاد علیه‌السلام به هر بهانه‌ای یاد پدر بزرگوارشان می‌کردند و برای ایشان اشک می‌ریختند و در روایت آمده که ایشان با دعوت از زنان بنی‌هاشم مجلس عزاداری برپا می‌نمود و خود در آشپزخانه کار می‌کرد.^۴

۲ امام باقر علیه‌السلام به فرزندش جعفر بن محمد علیه‌السلام دستور می‌دهد که بخشی از دارایی‌اش را (۸۰۰ درهم) در طول ده سال، صرف عزاداری و گریستن بر او نماید. مکان عزاداری، صحرای منا است و زمان آن، موسم حج.^۵

۱۱

دهه اول محرم
سال گذشته،
حلقه‌های کوچک
پرسش و پاسخ
در مسجدمان
به برکت کرونا و
استفاده از ظرفیت
فضای مجازی
بسیار بزرگ شده
بود

متعدد برای خود و دیگران همراه است، در جای دیگری صرف کنیم؟

پاسخ این سؤال در چند بخش و جنبه مختلف خدمت شما ارائه می‌گردد. هر کدام از این بخش‌ها مفصل است و ما فقط به آنها اشاره می‌کنیم.

۱ بابرگشت هزینه و افزایش روزی، صدقه‌بیشتری می‌توانید بدهید!

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «هر کس به زیارت امام حسین (علیه السلام) برود، اولاً هزینه‌ای که صرف کرده برمی‌گردد، ثانیاً رزق و روزی‌اش زیاد می‌شود». حتی امام باقر (علیه السلام) در یک روایت به‌عنوان راهکاری برای افزایش روزی، زیارت امام حسین (علیه السلام) را ارائه می‌کنند و به شیعیان دستور می‌دهند که همواره به زیارت آن حضرت اهتمام داشته باشند.^۷

بنابراین با رفتن به زیارت حسین (علیه السلام) بیشتر می‌توانیم به فقرا کمک کنیم.
۲ با شرکت در «اردوی افزایش قدرت و موفقیت»، بیشتر می‌توانید به فقرا کمک کنید!

فکر کنید در یک کارگاه راه‌های کسب موفقیت شرکت کنید. قطعاً با هزینه برای شرکت در این کارگاه کسب و کارتان را گسترش می‌دهید و درآمد بیشتری کسب می‌کنید. زیارت ابا عبد الله (علیه السلام) مخصوصاً زیارت‌های جمعی هم همین خاصیت را دارد و ضمن آنکه شما توسط زیارت جلب روزی می‌کنید، با خوش اخلاقی هم که عامل دیگر افزایش

۳ امام علی (علیه السلام) در ادامه روایت معروف شیعیان ما کسانی‌اند که در شادی ما خوشحال و در مصیبت ما اندوهگین می‌شوند، فرمود: «آنها اموال و جان‌هایشان را در راه ما بدون هیچ چشم‌داشتی می‌بخشند».^۸

سؤال دوم: هزینه نمودن برای زیارت هرساله کربلا صحیح است؟ در این ایام و روزهای کرونایی چطور؟ بهتر نیست هزینه زیارتی که با خطرهای



رزق برشمرده شده، روزی خود را افزایش می‌دهید. همچنین با تأثیر از قافله کربلا و مرام حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) که همواره به فقرا کمک می‌کرد، راحت‌تر می‌توانید به دیگران کمک کنید.

۳ مزاحم تفریح دیگران نشوید!

برخی دوست دارند که در طول سال به‌جای مسافرت به طبیعت و اماکن گردشگری، به زیارت بروند و تجدید روحیه کنند. هم تفریح کنند و هم زیارت. هیچ‌کدام از این موارد و سلیقه‌ها هم اشکالی ندارد. نه شمال رفتن را می‌توان ایراد گرفت و نه کربلا رفتن را.

۴ از شکایت رسول خدا فرار کنید!

در برخی روایات اشاره شده که توانگران سالی یک‌بار و ناتوان‌ها دو سال یا حداکثر سه سال یک‌بار به زیارت کربلا بروند. امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «اگر بیشتر از سه سال بر شیعیان بگذرد و بدون دلیل به زیارت حسین (علیه السلام) نروند، مورد شکایت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قرار می‌گیرند».^۸

همچنین اولاً باید بدانیم که حتماً اهل بیت (علیهم السلام) به وضعیت دشوار عصر خود و مشکلات مردم آن دوران هم توجه داشته و این روایات از لسان مبارکشان صادر شده است. ضمناً در حال حاضر نیز می‌توان با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی و مجوزهایی که ستاد ملی مبارزه با کرونا برای سفر به عتبات صادر کرده است، به زیارت کربلائی معلی مشرف شد و در صورتی که مجوز صادر نشد، از این کار امتناع کرد. البته در این امور ما تابع قانون دو کشور ایران و عراق خواهیم بود.

باورکردنی نبود. صفحه مسجد و پست حاج آقای صادقی در همان شب اول ۳۶۲ بار دیده شد. ۱۵۸

نفر آن را پسندیدند و مهم‌تر از آن ۶۲ نفر پست اول ما را برای دیگران ارسال کردند. دهه اول محرم سال گذشته، حلقه‌های کوچک پرسش و پاسخ در مسجدمان به برکت کرونا و استفاده از ظرفیت فضای مجازی بسیار بزرگ شده بود.♦

پی‌نوشت:

۱. حج: ۳۲.

۲. «إِنَّ الصَّافِيَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شِعَابِ اللّٰهِ؛ در حقیقت صفا و مروه از شعایر خداست». بقره: ۱۵۸.

۳. «وَالْبُئْتَنُ جَعَلْنَا هَاهَا لَكُمْ مِنْ شِعَابِ اللّٰهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ؛ و شتران فریه را برای شما [جمله] شعائر خدا قرار دادیم. در آنها برای شما خیر است». حج: ۳۶.

۴. عن عمرو بن علی بن الحسین قال: «لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَسَاءُ بَنِي هَاشِمٍ السَّوَادُ وَالْمُسُوحُ وَ كُنَّ لَا يَسْتَكْبِرِينَ مِنْ حَرْوٍ وَلَا يَبْرُدُونَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعْزَمُ لَهُنَّ الطَّعَامَ لِلْمَأْتَمِ». برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۰.

۵. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قَالَ لِي أَبِي يَا جَعْفَرُ أَوْقَفْ لِي مِنْ مَالِي كَذَا وَ كَذَا لِتَوَادِبِ تَتَدَبُّنِي عَشْرَ سِنِينَ بِمِثْلِ أَيَّامِ مِثِّي». کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۱۷.

۶. «إِنَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَاحْتَاظَنَا وَ احْتَازَ لَنَا شَيْعَةً يَنْصُرُونَنَا وَيُفْرَحُونَ لِفِرْحَانَا وَيَحْزَنُونَ لِحْزَانِنَا وَيَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَنْفُسَهُمْ فِيْنَا أَوْلِيَّكَ مِنَّا أَوْلِيْنَا». محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۷.

۷. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۴۲ و ۴۵.

۸. «قُلْتُ لَهُ مَنْ يَأْتِيهِ زَانِبَاتٌ مَتَى يَنْصُرُ مَتَى يَعُوذُ إِلَيْهِ وَ فِي كَيْفِ يَوْمٍ يَبُوتِي وَ كَيْفَ يَسْعُ النَّاسُ تَرْكُهُ قَالَ لَا يَسْعُ أَكْثَرُ مِنْ شَهْرٍ وَ أَمَا بَعِيدُ الدَّارِ فَعِنِّي كُلُّ ثَلَاثِ سِنِينَ فَمَا جَازَ ثَلَاثَ سِنِينَ فَلَمْ يَأْتِيهِ فَقَدْ عَقَّ رَسُولَ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَطَعَ حُرْمَتَهُ إِلَّا مِنْ عَلِيٍّ». ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۹۶.

طهران در محرم

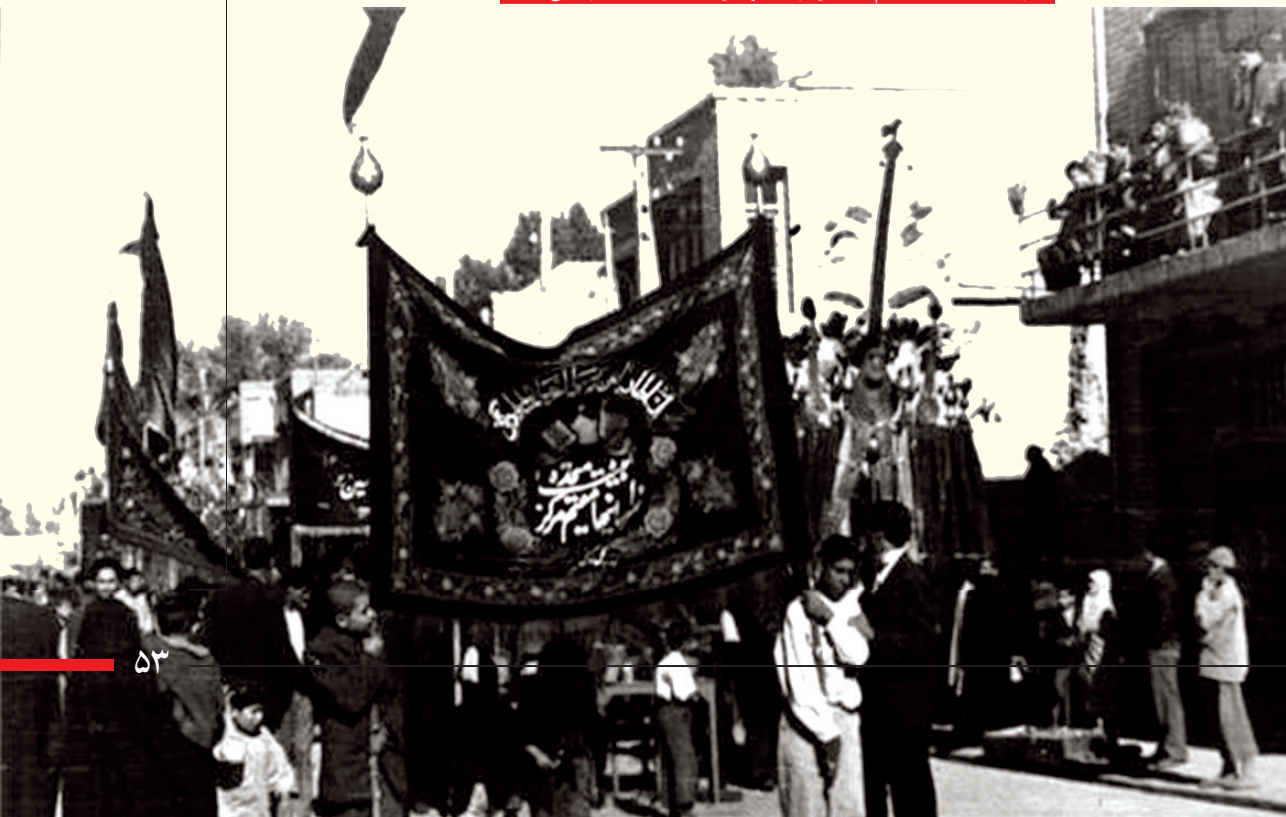
شهری بود یکپارچه نعمت و فراخی و کرم و بخشش

مهدی رزاقی طالقانی



پیش شماره ۶
تابستان ۱۴۰۰

خیلی‌ها تاریخ طهران را با او می‌شناسند و شاید اگر او و کتاب طهران قدیمش نبودند، اثری از بسیاری از مناسک در پایتخت نبود. صحبت از مرحوم جعفر شهری نویسنده و پژوهشگر قرن سیزدهم شمسی است که با قلمی شیوا، میراث بزرگی از سنت‌های ملی و مذهبی را برای آیندگان به یادگار گذاشت. از قسمت‌های جالب کتاب طهران قدیم مرحوم جعفر شهری **ارائه اطلاعاتی از سنت‌ها و آداب عزاداری سید و سالار شهیدان است که در جلد دوم این کتاب و با ادبیاتی واضح و شفاف به مخاطب ارائه شده است.** نگارش این بخش از کتاب به نحوی است که گویی مخاطب، سؤالات خود را از مرحوم شهری می‌پرسد و ایشان به این سؤالات، باحوصله و دقت جواب می‌دهند. آنچه در ادامه خواهید خواند، مصاحبه‌ای نمادین است با مرحوم جعفر شهری درباره شیوه‌های عزاداری امام حسین علیه السلام در تهران که حاوی نکات جالبی است.



آشکارا همه‌ساله در دهه محرم، بیستم صفر (چهلیم امام) که اربعین حسین نامیده می‌شود، مجلس تذکری در عزای آن بزرگوار برپا می‌داشتند که تا سنه نهصد هجری قمری [ادامه داشت. تازمانی که] ملاحظه کاشفی هراتی واعظ با استفاده از مقاتل و کتب گذشته‌ها در مقتل، کتابی به نام (روضه الشهداء) [روضه به معنای باغ] تدوین و تمام نموده، استفاده و استنساخ آن را وقف عام نمود و چون جامع‌ترین کتاب در این زمینه بود، در این

جناب آقای شهری پیشینه تاریخی



روضه‌خوانی ایرانیان برای سید و سالار شهیدان چگونه شکل گرفت و تا به امروز رسیده است؟

از ازمنه دور، یعنی از رسیدن طایفه بنی‌اسد به دشت کربلا و شناختن اجساد شهدا و به خاک سپردن ایشان و مویه کردن بر مزارشان که روز سوم و به روایتی پنجم شهادت بوده، مردم شیعه‌مذهب پنهانی، و در زمان دیلمیان و دودمان صفویه به‌طور



عزاداری محرم در تهران از قرن‌های متمادی معمول و مرسوم بوده، همه‌ساله بر شکوه آن می‌افزود، تا قرن سیزده که به‌صورت بزرگ‌ترین نمایشات برمی‌آمد

رد

از روز اول محرم بود که هر رنگ لباس به جز سیاه از تن زن و مرد و کوچک و بزرگ درآمده، همه از سر تا به پاسباه پوش یک تیغ می شدند

سیزده که به صورت بزرگترین نمایشات برمی آمد، از دهم، پانزدهم ماه ذی الحججه که بچه ها پارچه های سبز و سیاه بر سر چوبها کرده، علامت های حلی تخته ای بر سر دست آورده دور کوچها به راه افتاده ...

محرم آمد و عیشم عزاشد

حسینم وارد کرب و بلا شد

می گفتند، مساجد و تکایا و حسینیه های شهر را آماده برای عزاداری می کردند.

[پس از این روزها] کم کم رنگ سیاه بر پوشش مردم از زن و مرد و پیر و جوان غالب می شد تا جایی که در روز اول ماه محرم همه یک پارچه سیاه پوش بودند و این سنتی بود تغییرناپذیر، تاجایی که فقیرترین مردم که از مال دنیا جز پیراهن و قبای تنشان چیزی نداشتند، همان را فروخته، سیاه می خریدند یا با لباس کهنه سیاه معاوضه نموده یا حتی با جوهر رنگ می کردند.

اگر موافق باشید کمی درباره آرایش خاص



شهر بانمادهای محرمی مثل پارچه سیاه و آذین بندی های خاص صحبت کنیم. لطفاً کمی چهره شهر به لحاظ سیاه پوشی را برای ما توصیف کنید.

باری، از روزهایی که مساجد و تکایا شروع به بستن و چادر افراشتن و سیاه کوب شدن می شدند، اطفال نیز چندتا چندتا و دسته دسته پارچه هایی بر سر چوبها کرده راه افتاده (محرم آمد و عیشم عزاشد حسینم وارد کرب و بلا شد) راه می انداختند تا ماه محرم برسد و از روز اول آن بود که هر رنگ لباس به جز سیاه از تن زن و مرد و کوچک و بزرگ درآمده، همه از سر تا به پاسباه پوش یک تیغ می شدند و

ماه هرکس عقیده و سواد داشت، آن را بر مردم می خواند و گریه می گرفت تا کم کم این کتاب اجتماع مذهبی را بر آن داشت تا در خانه و مسجد، وقتی را به روضه الشهدا خوانی مخصوص گردانند و به خوش خوانها و بهتر خوانها اجرتی بپردازند.

به نظر می رسد که اقبال مردم به این مراسم



و شیوه برگزاری آن، موجبات تغییراتی در جهت جذابتر شدن این مجالس ایجاد کرد. در

گذشته ای که شما آن را در انتهای قرن دوازدهم و ابتدای قرن سیزدهم درک کردید، وضعیت تهران مقارن با ماه محرم و صفر چگونه بود؟

تهران در عزای حسین (علیه السلام) شهری بود یکپارچه نعمت و فراخی و کرم و بخشش و نذر و نیاز و کوشش و کار عزا که هستی و حیات مردم برایشان بی ارزش شده، فهمید و نفهمیده و باریا و بی ریا، جان و مال طرف امام حسین (علیه السلام) می کرد. عزاداری محرم در تهران از قرن های متمادی معمول و مرسوم بوده، همه ساله بر شکوه آن می افزود، تا قرن



سنتی بود که تغییرپذیر و اهمال‌بردار نمی‌آمد؛ تا آنجا که فقیرترین و تهیدست‌ترین افراد که از مال دنیا به جز پیراهن و قبای تن چیزی نداشتند هم آن را فروخته، سیاه خریده یا با کهنه‌سیاهی مبادله می‌کردند و در غیر امکان همان مال خود به صباغ داده یا خود جوهر سیاه خریده، رنگ می‌کردند و یکی از نذور مجرب مردم نیز نذر پیراهن، دستمال و پارچه سیاه بود که بین فقرا و بی‌سیاه‌مانده‌ها تقسیم می‌کردند و از همین روز هم بود که در دیوار و تکایا و حسینیه‌ها و مساجد و اماکن عزا سیاه پوش تمام گردیده، کار جزکوبی و کتیبه‌بندی آنها تمام شده، صورت از خانه کامل به خود گرفته و آماده پذیرایی می‌گردید.

به این مناسبت از روز اول ماه سقاخانه‌هایی نیز که از تغار و طشت و لگن و بشکه‌های شیردار و مثل آن یا از آجر و ساروج در مدخل و زوایای دیوارها و قسمتی از دکان‌ها به وجود آمده بود، سیاهپوش و دایر گردیده، در آنها آب و یخ و گلاب و در بعضی شربت قند و بیدمشک و امثال آن ریخته شده با شعار (آبی بنوش و لعنت حق بر یزید کن، جان رافدای مرقد شاه شهید کن) در اختیار مردم قرار می‌گرفت.

آیا عقد و عروسی در محرم و صفر، چنان که امروز مذموم و ناپسند است، در محرم و صفر آن سال هاهم امری ناپسند بود؟

[بله به کلی مذموم بود. مردم] شوخی و خنده و تفریح و مزاح و خوشگذرانی و عیش و نوش که در این ایام متروک گشته، اقدام به هر لذت و سرور را دشمنی با امام حسین علیه السلام می‌دانستند که به طریق اولی تعطیل عقد و نکاح و عروسی و مزاجت بود که

در این دو ماه ممنوع گردیده، آن را شوم و بدعاقبت می‌انگاشتند و مثل این بود رخت نو پوشیدن و سر تراشیدن و اصلاح کردن و حنا و خضاب بستن و برای زنان البسه رنگین پوشیدن، آرایش کردن و سر و بر آراستن و از شرایط حالت عزا داشتن بود.

سنت‌های خیرات و نذورات در این دو ماه **مزاین** چگونه بود؟ آیا نذورات منحصر به غذا بود؟ [این گونه نبود، من فراموش نمی‌کنم این را که] یکی از نذرهای مجرب مردم... نذر پیراهن، دستمال و پارچه سیاه بود که بین فقرا و بی‌سیاه‌مانده‌ها تقسیم می‌شد. در این روز تمام مساجد، سقاخانه‌ها، حسینیه‌ها و تکیه‌ها سراپا سیاه می‌شد و آماده اجرای مراسم و پذیرایی از عزاداران می‌شد.

یکی از انواع نذورات، گرفتن روزه سکوت بود و فرد روزه‌گیر، در تمام دوازده روز عزا تا آخر محرم و گاهی صفر، یک کلام سخن نمی‌گفت.

سر و پابرهنه راه رفتن و ژولیدگی و پریشانی و اندوه‌زدگی و ژنده‌پوشی و موی سر و رولند داشتن و گل به سر و بر مالیدن، که مخصوصاً سر و بدن به گل و



شوخی و خنده و تفریح و مزاح و خوشگذرانی و عیش و نوش که در این ایام متروک گشته، اقدام به هر لذت و سرور را دشمنی با امام حسین علیه السلام می‌دانستند

ریختن مشتی برنج در پلوی نذری یا تکه گوشتی در خورش، در نذر شریک می‌شدند.

این اطعام حسینی نه مخصوص دولتمردان و اغنیا و دست‌به‌دهن‌پرس‌ها بود که انجام می‌گرفت؛ بلکه اکثر طبقات را جزو به‌نذور که برای امام حسین (علیه‌السلام) عهدی به گردن داشته باشند، مخصوصاً در ده دوازده روزه اول و خاصه در روز عاشورا که از هر گوشه و کنار و مطبخ و اجاقی دودی برای نذری تصاعد می‌نمود و گرچه نیازمندان خود واجب رعایت بوده باشند.

هر طفلی که به دنیا می‌آمد، از واجبات بود که جهتش نذری از آش و پلو و آبگوشت و حلوا و خرما و نان و ماست و هر چه بر آن قدرت داشته باشند، به گردن بگذارند تا هر اتفاق و گرفتاری خطر و ضرر

لجن آغستن، از جمله نذرهای نیز بود که تا آخر ایام عزاداری نذر باید آن را رعایت داشته، استمرار بدهد؛ اگر چه ترک واجبات امسال، غسل و وضو نماز و دیگر فرایض کرده، از دیگر احکام مثل آن سرپیچی نموده باشد.

[نذر طعام هم البته در میان مردم جاری بود و همچون این سال‌های مقلان،] ایام محرم همواره به‌عنوان روزهای خیرات و روا شدن حاجات شهرت داشته و به همین دلیل هنوز هم در روزهای محرم هر کسی به وسع خود در اطعام عزاداران می‌کوشید و از دیگرهای بیست‌منی گرفته تا کماجدان‌های کوچک، با شور و شعفی خاص بر سر اجاق می‌رفت و موجودی آن با خلوص نیت در بین مردم پخش می‌شد. حتی کسانی که توانایی اطعام نداشتند، با

از دیگرهای

بیست‌منی گرفته تا کماجدان‌های کوچک، با شور و شعفی خاص بر سر اجاق می‌رفت و موجودی آن با خلوص نیت در بین مردم پخش می‌شد





« همه اهالی همراه این رسوم به کار برگزاری عزای پسر فاطمه برخاسته، طلب حاجات خویش و درخواست تقرب به ساحت ایشان می کردند

(دهه عاشورا) همان ایام بود که هر شب و روز آن به نام شب و روز خیرات و براتی به حساب می آمده با جانفشانی و خودکشان تمام، همه اهالی همراه این رسوم به کار برگزاری عزای پسر فاطمه برخاسته، طلب حاجات خویش و درخواست تقرب به ساحت ایشان می کردند و شب‌های همین روزها هم بود که بهترین اوقات برای طلب مغفرت اموات معلوم شده؛ خرما، حلوا، شکرپنیر، سمنوها نیز بر آتش و پلوه‌ها اضافه شده، خواستار برات آزادی رفتگان و طلب آمرزش و شادی روح ایشان می کردند.

و بیماری و قرض و خواهش و حاجت و تمنا که چاره‌ساز و مشکل‌گشایش نظری بود که برای امام حسین و حضرت عباس علیهما السلام قبول نمایند؛ اگرچه ریختن مشتی برنج بر روی برنج نذری دیگرها و انداختن تکه گوشتی در دیگ آنها بوده باشد و همین نذرها بود که در این روزها لباس آداب خود پوشیده، از دیگ‌های حلقه‌دار بیست‌سی منه تا دیگ کماجدان‌های نیم‌منه، یک چهار که بر سر آتش‌ها رفته، مطبوخشان با شعف دل در اختیار مردم قرار می گرفت و این یعنی دهه اول محرم



اگر چه آن برات یک شادی خرما و چند دانه شکرپنیر و نعلبکی حلواي شیرهای بوده، همان زحمت تحصیل شده باشد، به غیر از نذرهای بدنی و پولی که هر کس چیزی از آن مثل زنجیر زدن، سینه زدن، روضه خواندن، زیر بیدق و علم رفتن و دیگر و دیگر به گردن می گرفت.

بازار در این میان چه نقشی داشت؟ آیا رونق این بخش از جامعه دچار تغییری

می شد؟

کسب و کار و فعالیت و کوشش دنیایی در هر طبقه از طبقات تعطیل و معوق گردیده، مردم از هر کار و شغل و عمل دست کشیده و اوقات خود را وقف خدمت به امام شهیدان و عزاداری او می کردند. چه تنها او بود که دنیا و آخرتشان به خاطرش تأمین شده، یک قران در راه او، صد هزار قران به مالشان برکت داده، بانم اشکی به مظلومیت آخرتشان آباد گشته، با قدمی در راهش از خاطر پیغمبر و امام از ایشان خشنود می گردید.

نگاه جامعه همواره به حادثه عاشورا یک



نگاه اخلاقی بود و در دو ماه محرم و صفر بسیاری تقابل حق و باطل را در درون خود دنبال می کنند و در واقع، چهره بدی به واسطه وقایع کربلا کیهن تو چهره خیر زیباتر می شود. شما چه برداشتی از این اخلاقی زیستن جامعه در محرم و صفر آن سال هادارید؟

ایام عزای حسینی ایامی بود که غرورها خاموش و نخوتها فراموش و بزرگیها کنار افتاده، مردوزن و

عالی و دانی امیر و فقیر خاکسار و نوکر و غلام و برده و کنیز ملاحسین گردیده، خاضع و خاشع زانو به درگاهش زده به عزاداری می پرداختند.

در این مثل که حاکم و امیری که از جبروت خشیتش پشتها به لرزه درآمده، میرغصبی که از اخگر فتنش زهرهها می ترکید، در این اوقات چون گربه اهلی در میان جماعت لولیده، نوکری نوکران امام حسین علیه السلام کرده، پایه پای خدمه و عمل خدمت نموده، همراه دیگران در روزها اشک ریخته، در سینه زنیها سینه زده، جلوی دست، سر و پای برهنه گل بر روی و خاک و خاشاک بر سر کرد، کوچکی و فروتنی می کردند.

همچنین در این ایام هر کار و عمل زشت از میان غالب مردم رخت بر بسته، هر یک به طریقی کوشای اصلاح اعمال ناپسند خود گردیده، برایشان قبح و گناه رفتار ناشایست مضاعف و به مراتب بزرگتر جلوه کرده، در صد در صد توبه و انابه و استغفار برآمده، از زنا و لواط و می خوارگی و قمار و تقلب و دروغ و کم فروشی تیرا برجسته، تانجاکه شیرک خانهها و فاحش خانهها تعطیل کامل گردیده، زنهای خود فروش آب توبه بر سر ریخته تا آخر صفر و حداقل تا سوم امام که سیزدهم محرم بود، از (کار) کنار می گرفتند و در جرگه عزاداران درآمده، چه بسیار که خود مجلس عزات تعطیل داده، مداحی و روضه خوان دعوت می کردند! ^۲

پی نوشت:

۱. پژوهشگر تاریخ ایران، متولد ۱۲۹۳ در عودلاجان تهران، درگذشته ۶ آذر ۱۳۷۸ در تهران.

۲. شهری، جعفر، طهران قدیم، تهران: انتشارات معین، ۱۳۸۱.



پیش شماره ۶
تابستان ۱۴۰۰



در این ایام هر کار و عمل زشت از میان غالب مردم رخت بر بسته، هر یک به طریقی کوشای اصلاح اعمال ناپسند خود گردیده، برایشان قبح و گناه رفتار ناشایست مضاعف و به مراتب بزرگتر جلوه کرده

از ماسک تا پاورپوینت

ایجاد تنوع در مراسم عزاداری

سید محمد موسوی نسب

فقط گونه یا شکلی از یک رویداد به گونه دیگر تغییر می یابد.

بر این اساس باید گفت پرهیز از نغلتیدن در بدعت و وظیفه اول امام جماعت و هیئت امنای برگزاری مراسم عزاداری است و در واقع حفاظت و صیانت از کیان مسجد در این بخش باید مورد توجه قرار گیرد. اما چه اقداماتی را به عنوان تنوع در عزاداری می توان مورد توجه قرار داد؟

حوزه بهداشت

با توجه به شیوع کرونا در ماه محرم پیش رو، در بخش بهداشت می توان اقداماتی را در دستور کار قرارداد که پیش از این در مسجد مورد عنایت قرار نگرفته بود.

الف) اهدا ماسک

قبل از برگزاری مراسم، مسجد می تواند ماسک های طرح دار پارچه ای یک شکل فراهم کرده و کنار در ورودی مسجد غرفه ای برپا کند و به

مراسم عزاداری برای اباعبدالله الحسین (علیه السلام) حالا بخشی از سنت های جامعه ایرانی است و محافظت از آن، جدای از اجر معنوی، اقدامی فرهنگی و پاسداری از فرهنگ این سرزمین نیز محسوب می شود.

اما باین حال برای جذب جوانان و نسل جدید به این مراسم، اهالی مسجد و هیئت نیازمند قدری خلاقیت و نوآوری هم هستند؛ چراکه پابندی کامل به سنت ها و عدم نوآوری در هر حوزه فرهنگی، باعث عدم همراهی نسل های جدید خواهد شد و به همین دلیل باید در این بخش کاری کرد.

پیش از آنکه مواردی برای این بخش شمرده شود، باید تفاوت میان کاربرد ایجاد تنوع و ایجاد بدعت را قدری توضیح داد. در فرهنگ لغت معین در معنای واژه بدعت آمده است نوآوری، به ویژه رسم یا آیین تازه ای که مورد پذیرش قرار نگرفته یا مخالف سنت پذیرفته شده باشد. اما در معنای واژه تنوع، معنای گونه به گونه شدن را مشاهده می کنیم؛ یعنی



پرهیز از نغلتیدن در بدعت و وظیفه اول امام جماعت و هیئت امنای برگزاری مراسم عزاداری است و در واقع حفاظت و صیانت از کیان مسجد در این بخش باید مورد توجه قرار گیرد



لازم است که

مسجد برای

پوشش مراسم

خود از بسترهای

مجازی در این

بخش بهره گیرد

تا عزاداران غائب

هم از فیوضات

ماه محرم بی بهره

نمانند

کرونا مطرح شده است. با توجه به نوع شیوع این ویروس که بیشتر به واسطه تنفس اتفاق می افتد، حفظ این فاصله می تواند سرعت شیوع را کم کند. فاصله‌هایی در حدود حداقل یک و نیم تا دو متر می تواند مفید باشد.

۲ پوشش رسانه‌ای مراسم

در محرم پیش رو احتمالاً برخی از عزاداران به علت جلوگیری از شیوع کرونا و برخی دیگر به علت احتمال ابتلا به کرونا در مسجد حاضر نخواهند شد. لازم است که مسجد برای پوشش مراسم خود از بسترهای مجازی در این بخش بهره گیرد تا عزاداران غائب هم از فیوضات ماه محرم بی بهره نمانند. این منظور چنانچه مسجد صفحه اینستاگرام دارد، برنامه‌ای ترتیب دهد تا به صورت زنده مراسم‌های مسجد از این صفحه پخش شود و اگر چنین امکانی برای مسجد فراهم نیست، از صفحات اهالی مسجد، به خصوص آنها که صفحه پرطرفداری دارند، بهره بگیرد. برای این منظور لازم است اجازه قرار دادن پایه گوشی همراه در نزدیکی محل قرار گرفتن سخنران و مداح داده شود و حتی برای ارائه کار با کیفیت بهتر از طبقه دوم هم بهره گرفته شود. اگر چنین برنامه‌ای مدنظر شما نیست و فرد دیگری اجازه این برنامه را خواست، با او نهایت همکاری را داشته باشید.

همچنین نکته اخلاقی و مهمی که هیئت‌ها و مساجد باید به آن توجه کنند، این است که حق و حقوق همسایه‌های مسجد در این ایام حتماً رعایت شود. با توجه به اینکه بسیاری از این مراسم‌ها

همه عزاداران و مسجدی‌ها، ماسک متحدالشکل اعطا نمایند. این اقدام هم‌زمان هم از ورود افراد بی ماسک به مسجد جلوگیری می کند و هم یک اقدام انسان دوستانه منطبق بر دستورالعمل‌های بهداشتی به شمار می رود. همچنین حس یکسان بودن همه در عزای سیدالشهدا (علیه السلام) را به نوعی تازه تداعی می کند.

ب) استفاده از ظروف یکبار مصرف گیاهی

در محرم امسال استفاده از ظروف یکبار مصرف گیاهی اقدامی است که می تواند به بهداشتی تر شدن پذیرایی از عزاداران ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) کمک کند و هم‌زمان به تولید زباله پلاستیکی که تهدیدکننده جدی محیط زیست است، نینجامد. لیوان، بشقاب و قاشق‌های یکبار مصرف گیاهی در بازار یافت می شود.

ج) تشکیل گروه همیار پاکبان

برای رعایت بهداشت محیطی مسجد و خیابان‌ها و کوچه‌های اطراف آن، گروهی سه تا ده نفره (با توجه به جمعیت حاضر در مسجد) را تشکیل دهید. با ارائه تجهیزات بهداشتی به آنها از لباس مخصوص تا دستکش و ماسک و کیسه زباله و غیره، آنها را مأمور کنید در حین و پس از هر وعده پذیرایی از عزاداران، کار خود را آغاز نمایند و نظافت محدوده مسجد را انجام دهند.

د) رعایت فاصله گذاری

یکی از مهم‌ترین مواردی که جلوی رشد و سرایت ویروس کرونا را می گیرد، حفظ فاصله فیزیکی است که از طریق منابع پزشکی و ستاد ملی مبارزه با

در فضای باز حیاط یا خیابان‌های اطراف مراکز مذهبی برگزار می‌شود، حتماً باید رضایت و آسایش همسایه‌های محل در نظر گرفته شود و در صورت امکان امام جماعت و امنای مسجد تشکر ویژه‌ای از همسایه‌ها به عمل آورند.

۳. تنوع در پذیرایی

الف) خوشامدگویی به عزاداران

کمتر اتفاق می‌افتد که کسی در ورودی مسجد به عزاداران حسینی خوشامد بگوید. این سنت و به نوعی ادای احترام به عزاداران را در روضه‌های خانگی که میزبان یک شخص خاص است، شاهد بوده‌ایم. در محرم امسال می‌توانید با قرار دادن دو صندلی در کنار در ورودی مسجد برای یکی از اعضای هیئت‌امنا و یکی از بزرگ‌ترهای مسجد، از عزاداران حسینی استقبال کنید. اعضای هیئت‌امنا می‌توانند در هر شب از دهه اول به صورت چرخشی، همراه شخص دیگر وظیفه خوشامدگویی و استقبال از عزاداران را انجام دهند.

ب) پذیرایی با رویکرد عدم ایجاد ازدحام

اگر به محل سکونت نیازمندان دسترسی دارید، پذیرایی مسجد را با تحویل غذا بر در منزل آنها انجام دهید و از ایجاد ازدحام در مسجد برای پذیرایی از عزاداران جلوگیری کنید. اگر برای شما پذیرایی از مسجد یا در مسجد اهمیت دارد، سازوکار تحویل غذا را باید به گونه‌ای بچینید که به هیچ وجه ازدحام ایجاد نشود. برای این منظور قرار دادن غذا روبروی هر عزادار در مسجد می‌تواند یک گزینه مطلوب باشد. به صورت ناگهانی و پیش‌بینی نشده توسط

یک گروه منسجم و سریع، ظروف غذای عزاداران را پیش‌روی آنها قرار دهید. هر شب لازم است این ساعت پخش غذا جابه‌جا شده و نگرهانی و حراست از آشپزخانه مسجد به نحوی باشد که احتمال ازدحام جمعیت پایین و پایین‌تر بیاید.

۴. ارائه محتوا

این روزها قالب‌های ارائه محتوا تنوع زیادی یافته است و بهره‌گیری از ابزار جدید در این بخش می‌تواند گامی مثبت و روبه‌جلو برای مسجد و عزاداران محرم به حساب آید.

الف. استفاده از پروژکشن و پاورپوینت

برای روحانی مسجد این امکان را فراهم کنید که برای ارائه محتوای خود بتواند از قالب‌های نو بهره بگیرد. برای مثال یک پرده و پروژکشن در کنار منبر، جاگذاری کنید تا سخنران از طریق لپ‌تاب یا تبلت خود بتواند به صورت دقیق تری محتوای خود را ارائه کند. پس از مراسم می‌توانید پاورپوینت محتوایی سخنران را هم در دسترس مخاطبان فضای مجازی مسجد بگذارید.

ب. تعیین وقت برای پرسش و پاسخ

از سخنران بخواهید در کنار سخنرانی نیم‌ساعتی را در مسجد برای پرسش و پاسخ احتمالی، وقت در نظر بگیرد. بهتر است این زمان بلافاصله بعد از منبر باشد. توجه داشته باشید که مخاطب جوان امروز به یک سخنرانی با دید نقد نگاه می‌کند. بنابراین ایجاد فرصت پرسش و پاسخ می‌تواند احترام به روحیه پرسشگری در مسجد و به خصوص مخاطب جوان و هوشمند باشد. ♦

من الغریب الی الحبیب

به تو ای دوست سلام

زهرا نصیری

می شود و زبان الکنشان از پس سکوتی تلخ، با تو داد
سخن می کند و خود را غریب خوانده و تو را حبیب
می خوانند

می دانم که کربلا را مثل و عاشورا را مانندی
نیست، اما آثار حماسه‌ات در رگ‌های عالم جاری
است، ای حبیب خدا! یقین دارم که یاران تو هرگز
تکرار نخواهند شد، اما باورم این است که این دعوت
تو نه فقط برای حبیبین مظاهر، بلکه برای همه
تاریخ بود؛ هم گذشته و هم آینده! اگر غیر از این
است، پس چرا حضرت زکریا علیه السلام پیش از تولد بر
تو گریست و از خداوند درخواست کرد به او فرزندی
عطا کند که با شباهت به تو، وجودش را نثار محبوب

در آغاز اگر چه مولایم هستی، بگذار تو را حبیب خدا
بخوانم، نه مولا. اگر چه محبوبم هستی، بگذار تو را به
خدا نسبت دهم، نه به خودم.

مولای من! با تو با زبان خودت سخن می گویم.
گویند تو بودی که در دعوت حبیبین مظاهر به
سفر رستگاری، خود را غریب خواندی و او را حبیب،
و نگاشتی: «من الغریب الی الحبیب؛ از حسین بن
علی به حبیبین مظاهر ... و اما بعد؛ حبیب،
خودت را به ما برسان ...».

ای حبیب خدا! بار دیگر تقویم ورق خورد و به
ماه محرم رسید؛ ماهی که دل عاشقانت از پس غبار
غربتِ روزهای سخت و تاریک، با عشق تو مصفا

من الغریب الی الحبیب

اگر چه مولایم هستی، بگذار تو را حبیب خدا بخوانم، نه مولا. اگر چه محبوبیم هستی، بگذار تو را به خدا نسبت دهم، نه به خودم

کنند؟ خداوند نیز در سال‌های پیری، یحیی را به او عنایت کرد؛ یحییایی که گرچه پیش از تو، در مسیر تو و همانند توفدای محبوب شد و همین صبغه او را جاودانه کرد.

تردید ندارم که دعوت برای آیندگان نیز بود. تو در کربلا همه تاریخ را فتح کردی؛ وقتی که فرمودی: «هل من ناصر ینصرنی؟!». باور ندارم تو از کسی یاری طلبیده باشی، نه، باورم این است که تو با این جمله‌ات، به همه تاریخ فرمودی: «آیا کسی هست که بخواهد یاری‌اش کنم؟!». چون حقیقت این است که همه حبیب‌هایی که به یاری‌ات آمدند، در واقع خود از ناحیه تویاری شدند و چون به تو پیوستند، از تنگناهای نفس و دنیا رستند. «هل من ناصر ینصرنی؟!» ات در تاریخ جاری شده و اکنون به ما رسیده است.

ای حبیب خدا! می‌خواهم در پاسخ ندایت بگویم؛ لبیک! به فریادم برس، دستی خالی و دلی پُر امید دارم، مرا نیز یاری کن و از تنگناها و منجلا ب نفس و روزمرگی و دنیای شلوغ بزهان. ای حبیب خدا! با زبان فرزندت مهدی در زیارت ناحیه مقدسه، خطابت می‌کنم: «اگر چه زمانه مرا به تأخیر انداخت و مقدرات الهی مرا از یاری تو بازداشت و نبودم تا بجنگم با کسانی که با تو جنگیدند و خصومت نمایم با کسانی که با تو اظهار دشمنی کردند، در عوض صبح و شام بر تو مویه می‌کنم...». ای حبیب خدا! ما را چنان دریاب و یاری فرما که به دعوت فرزندت مهدی، لبیک کوفی نگوییم؛ بلکه حبیب‌وار پاسخش را بدهیم و یاریگر حقیقی او باشیم. در دنیایی که هر روزش آشفته‌تر و پُرتردیدتر از روز قبل است، چنان قلبمان را به محبت و معرفت

صیقل ده که در این وانفسای گمراهی، چشم‌های کم‌سویمان شاهراه روشنستان را بیابد.

ای حبیب خدا! مثل شما، مثل کشتی نوح است. خداوند با محبت شمار ما منت نهاده و به جای گرفتن در این کشتی نجات امیدوار کرده است. می‌دانم که محبت نیز باید توأم با معرفت باشد و در عمل ظهور پیدا کند، اما در این مورد هم، تو باید کمک و هدایت کنی.

ای حبیب خدا! هرگاه با تو سخن می‌کنم، در نهایت به یک حقیقت می‌رسم؛ اینکه من از تو هیچ نمی‌دانم، جز اینکه «دوستت دارم». این هم از ناحیه تو خواهد بود که معرفتی بر محبتم بیفزایی. ای حبیب خدا! سختم به درازا کشید، اما مثل همیشه نتوانستم بگویم که چرا و چقدر دوستت دارم.

سلام بر تو؛
سلام بر مُحَرَّمَت؛
سلام بر بیرق عزایت که علم معرفت برای اهل ایمان است؛
سلام بر عاشقانت؛
سلام بر اشک‌هایی که برای توسرا زیر می‌شود؛
سلام بر قلب‌هایی که برای تومی تپد؛
سلام بر قلب مهربانت که حتی در سخت‌ترین شرایط نبرد، مهر و عطفوت را از هیچ کس دریغ نکردی؛
سلام بر تو که عشق و عرفان را به حماسه آوردی؛
سلام بر تو، روزی که متولد شدی و روزی که به زیباترین شکل ممکن، عشق را معنای بی‌تکرار بخشیدی.
به تو ای دوست، سلام... ♦